

حکیم ابو حاتم مظفر اسفزاری

بقلم : آقای آلبرت ناپلئون کمپانیونی

در این مقاله آنچه پیشینیان و معاصران در باره شرح حال و تألیفات حکیم ابو حاتم مظفر بن اسمعیل اسفزاری گفته‌اند و بدان دسترس بوده است، و نیز برخی اعتراضات که بر کتاب « آثار علوی » شده است نقل میشود و شرح خصوصیات نسخه اختصار « اصول اقلیدس » باعکس آن بچاپ میرسد، و کلیه نسخ خطی « آثار علوی » که از آن اطلاع پیدا کرده‌ام معرفی میشود و آنگاه متن « رسالة الشبكة » که تصحیح کرده‌ام از نظر خوانندگان میگذرد و سپس ذکری از منتخب اسفزاری از کتاب الحیل می‌آید: (۱)

مرحوم علامه محمد بن عبد الوهاب قزوینی در حواشی چهار مقاله نگاشته است: « خواجه امام مظفر اسفزاری، یکی از اعظم منجمین است، و اوست که با عمر خیام و جماعتی دیگر از اعیان منجمین در سنه ۴۶۷ بفرمان سلطان ملکشاه (۱) نشانه‌های اختصاری مقدمه و رسالة الشبكة.

ج = جلد

ح = حاشیه

و ك = رجوع کنید

ص = صفحه

ظ = ظاهراً

م = میلادی

ه = هجری

M = نسخه خطی کتابخانه ملی ملک

[] = نشانه کلمه یا کلماتی که برای تکمیل معنی جمله بمتن افزوده شده

< > = نقل قول و برجسته نمایان کردن کلمه و اصطلاحی

|| = علامت ختم يك حاشیه در حواشی

آ . ن . ك = آلبرت ناپلئون کمپانیونی - نگارنده مقدمه و تصحیح رسالة الشبكة.

سلجوقی رصد معروف ملکشاهی را که رصد جلالی نیز گویند بستند، و ابن الاثیر در حوادث سنه ۴۶۷ ازو «بابوالمظفر اسفزاری» تعبیر کرده است» (۱) «ابن الاثیر در کتاب کامل التواریخ که در سنه ۶۲۸ تألیف شده در ذیل حوادث سنه ۴۶۷ (۲) گوید: «که در این سال نظام الملك و سلطان ملکشاه جماعتی از بزرگان منجمین را گرد آورد تا نوروز را در اول حمل مستقر ساختند و پیش ازین تاریخ نوروز در نیمه برج حوت واقع بود. و این عمل سلطان مبدأ تقاویم شد. در همین سال رصدی برای سلطان ملکشاه ترتیب یافت و جماعتی از بزرگان منجمین در عمل آن شرکت کردند و از آن جمله بودند عمر بن ابراهیم الخیامی و ابوالمظفر الاسفزاری و میمون الشجیب الواسطی و جز آنان. در ترتیب این رصد مال بسیار خرج شد و تا سال وفات

(۱) چهار مقاله تألیف احمد بن عمر بن علی النظامی المروزی السمرقندی بسمی و اهتمام و تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی. لیدن ۱۳۲۷ هـ. ص ۲۲۸ و رک: تعلیقات چهار مقاله نظامی عروضی بکوشش آقای دکتر محمد مهین - تهران ۱۳۳۳ - ۵۵ شمسی ص ۳۶۴ و از این پس هر کجا اشاره به تعلیقات چهار مقاله میشود مقصود این کتابست.

(۲) در چهار مقاله مصحح مرحوم قزوینی چاپ لیدن «۴۲۷» در چهار مقاله مصحح مرحوم قزوینی چاپ لیدن (نسخه متعلق با آقای مجتبی مینوی) «۴۶۷» اصلاح شده و مرحوم قزوینی در حاشیه نوشته اند: این سنه ۴۶۷ تاریخ ورود منجمین بوده است برصد خانه جدید البناء ملکشاه. ولی بعداً این تاریخ ملکشاهی یعنی اولین سال این تاریخ مطابق بوده است با دهه رمضان سنه ۴۷۱، مطابق ۱۵ مارس ۱۰۷۹ (ژولیان نه گریگوری) که روز اول حلول شمس ببرج حمل بوده است، در چهار مقاله مصحح مرحوم قزوینی چاپ لیدن (نسخه دانشکده ادبیات تهران) سنه را به ۴۶۷ اصلاح کرده و نوشته اند: «آقای تقی زاده نظر مرا باین غلط جلب کردند. بعد در این الاثیر دیدم که به غلط است و صواب آنطور است که تصحیح شده است. آقای مینوی نیز در نسخه خود ۴۶۷ تصحیح کرده اند. نظر آقای تقی زاده این است که در ۴۶۷ منجمان تصمیم بر اصلاح تقویم گرفته و از ۴۶۸ بیعد آنرا اجرا کردند و سال ۴۷۱ مبدأ تاریخ جلالی است (تعلیقات چهار مقاله ص ۳۱۶ ح ۲)

ملکشاه یعنی ۴۸۵ دائر بود و بعد از وفات او متروک ماند» (۱)
 دانشمند محترم آقای سید حسن تقی زاده در « گاه شماری در ایران قدیم »
 نگاشته‌اند: « بودن نوروز در اعتدال ربیعی و شروع سال از اول بهار از آثار
 ملک‌شاه سلجوقی (۴۶۵ - ۴۸۵) واضح تاریخ جلالی یا ملکی و منجمین مشاور او
 که از آنجمله عمر خیام و حکیم لاکری و میمون بن نجیب واسطی و ابوالمظفر
 اسفزاری و غیرهم بودند میباشد . . . » (۲)

و نیز نوشته‌اند: « بقول قطب الدین شیرازی در تحفه شاهیه (۳) (نسخه خطی
 برلن) و همچنین در کتاب دیگر وی نهایت الادراک فی درایة الافلاک (باز نسخه برلن)
 این منجمین هشت نفر بودند. » (۴) در گاه شماری نیز نگاشته‌اند: « در شرح

(۱) تاریخ ادبیات در ایران تألیف آقای دکتر ذبیح‌الله صفا - تهران ۱۳۳۶ ج ۲ -
 ص ۳۱۰-۳۱۱ - متن عربی آن در کامل التواریخ (حوادث سال ۴۶۷) چنین است: « و فیها
 جمع نظام الملك و السلطان ملک‌شاه جماعة من اعیان المنجمین و جعلوا النیروز اول نقطة من
 الحمل و كان النیروز قبل ذلك عند حلول الشمس نصف الحوت و صار ما فعله السلطان
 مبدأ التقاویم ، و فیها ایضاً عمل الرصد للسلطان ملک‌شاه و اجتمع جماعة من اعیان المنجمین
 فی عمله . منهم : عمر بن ابراهیم الخیامی و ابوالمظفر الاسفزاری و میمون بن النجیب
 الواسطی و غیرهم ، و خرج علیه من الاموال شیء عظیم و بقی الرصد دائراً الی ان مات
 السلطان سنة خمس و ثمانین و اربعمائة ، فبطل بعد موته » (رک : الجزء العاشر من تاریخ
 الكامل للملازمة ابی الحسن علی بن ابی‌الکرم محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد
 الشیبانی المعروف بابن الاثیر الجزری الملقب بعزالدین - چاپ مصر - ۱۳۰۱ هـ ص
 ۴۰ - ۴۱ . رک : چهارمقاله چاپ لیدن ص ۲۱۴ . و نیز رک : تعلیقات چهارمقاله ص ۳۱۶
 و ۳۰۵ ح ۱)

(۲) گاه شماری در ایران قدیم، تألیف آقای سید حسن تقی زاده - تهران ۱۳۱۶ هـ
 شمسی . ص ۳ . رک : تعلیقات چهارمقاله ص ۳۶۴
 (۳) در ص ۲۱۱ راجع بصفحه ۳ حاشیه (۷) گاه شماری آمده است: « نسخه کتاب
 تحفه شاهیه که مطلب از آن نقل شده در کتابخانه دولتی بران در جزو نسخی است که
 فهرست‌ها لوارد مندرج نبوده و بعدها وارد کتابخانه شده و نسخه بسیار نفیس و قدیمی است
 که بشاریخ ۷۶۸ در بغداد از روی نسخه اصلی که بخط خود مؤلف در سیواس در سنة
 ۶۸۴ نوشته شده بوده است استنساخ گردیده است . »

(۴) گاه شماری ص ۳ ح ۷ .

کتاب سی فصل در معرفت تقویم تألیف خواجه نصیرالدین طوسی که اسم شارح معلوم نیست و ظاهراً در سنه ۸۲۴ تصنیف شده (نسخه خطی فارسی موزه بریطانی بنشان Add. 7700) نسبت به علمائی که تاریخ جلالی را برای ملکشاه وضع کردند گویند: «... جمع حکماء چون عمر خیام و حکیم اوکری و شش کس دیگر مصاحب او بودند»

« ابوالمظفر اسفزاری همانست که در چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی باسم خواجه امام مظفر اسفزاری ذکر شده و در آن کتاب (صفحه ۶۳ طبع آقای (۱) قزوینی و اوقاف گیب) از مصاحبت و «مجلس عشرت» وی با خیام در سنه ۵۰۶ در نیشابور سخن میرود. همکاری این دو نفر دانشمند در سنه ۴۶۷ در وضع تاریخ جلالی و همنشینی آنها در ۳۹ سال بعد در نیشابور هم از انفاقات غریبه است. » (۲)

نیز در همان کتاب نوشته اند: «... ظاهراً مهمترین و تا حدی رایجترین اصلاحی که در ایران بعد از اسلام بعمل آمده همانا ایجاد تاریخ جلالی (یا ملکی) بود که ملکشاه سلجوقی در سنه ۴۷۱ هجری قمری وقتی که اعتدال ربیعی در ۱۹ فروردین ماه قدیم واقع بود تأسیس نموده و اول سال را در اول حمل (روز اول بهار) قرار داد و بهمین جهت نوروز که تا آن وقت در سال شمسی سیار بود ثابت گردانیده و بنوروز سلطانی معروف شد و برای ثابت نگه داشتن آن در سال شمسی بنا بر معروف کبیسه دقیق برقرار کردند که از کبیسه گریگوری هم دقیق تر بوده است. » (۳)

آقای مدرس رضوی، استاد دانشگاه تهران، در مقدمه «رساله آثار علوی یا کائنات جو (۴) آورده اند: «خواجه ابو حاتم مظفر اسفزاری، از مشاهیر حکما و

(۱) مرحوم

(۲) گاه شماری ص ۲۱۰ - ۲۱۱

(۳) گاه شماری ص ۱۶۷ - ۱۶۸ - رک: تعلیقات چهارمقاله ص ۳۶۴ - ۳۶۵.

(۴) تعلیقات چهارمقاله ص ۳۶۵ - رک: رساله آثار علوی یا کائنات جو، تألیف

خواجه ابو حاتم مظفر اسفزاری (در حدود ۵۰۰ هجری) - بتصحیح آقای مدرس رضوی تهران ۱۳۱۹ - مقدمه مصحح، ص الف.

معاریف منجمین و دانشمندان ایرانی است که در نیمه دوم قرن پنجم و اوایل قرن ششم میزیسته، و با حکیم عمر خیام معاصر و همزمان بوده است. شرح حال این حکیم بزرگ و چگونگی زندگی زندگیش بتفصیل در دست نیست و آنچه صاحبان تراجم در باره او نوشته‌اند مطلب مهمی که وضع زندگانی و حال او را روشن نماید بدست نمیدهد. قدیمترین کتابی که در آن ترجمه‌های از مظفر دیده میشود کتاب تتمه صوان الحکمه ابوالحسن بیهقی است که تألیف آن اندکی پس از مرگ مظفر بوده است و ظاهراً آنچه شهرزوری در نزهة الارواح و روضة الافراح از گزارش احوال مظفر ذکر کرد از تتمه گرفته است»

در ترجمه تتمه صوان الحکمه چنین آمده: «الفيلسوف ابو حاتم المظفر الاسف [ز] اری حکیمی بادانش و رهنمائی و معاصر فیلسوف عمر خیام بود و میان ایشان مناظرات بسیار و معارضات بی شمار بوده، لیکن پایگاه بلند از ایشان هر دو خیام را بوده و علم انقال و حیل بروی غالب بود و در اقسام آثار علوی و ریاضات (کذا) (۱) تصنیف بسیار دارد و عمل میزان ارشمیدس که غش از عیار بدان تمیز می کردند او کرد، و گویند مدت (۲) عمر خود را در صرف آن عمل کرد و چون خازن از آن خبر یافت از ظهور خیانت خویش اندیشید و آن میزان را نیست گردانید، چون آگاهی بحکیم ابوالمظفر (کذا) رسید از اندوه بمرد.

از کلمات اوست: نسبت لذت جسمی. با لذت عقلی همچو نسبت تنم طعم است با چشیدن و خوردن آن.

آموزنده پدر جانمست و والد پدر جسمانی. واجب است که پادشاه بر خویشان و بر رعیت جوانمرد باشد»^۳

۱- ریاضیات (آ. ن. ک)

۲- عبارت تتمه این است: و صرف عمره فی ذلك مدة.

پس ترجمه متفاوت است.

۳- درة الاخبار و لمة الانوار (تهران ۱۳۱۸، ضمیمه سال پنجم مجله مهر، ص

۷۹ - ۸۰) ترجمه ناصرالدین بن عمدة الملك منتجب الدین منشی یزدی از متن

عربی تتمه صوان الحکمة تألیف ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید البیهقی معروف

بقیه حاشیه در صفحه بعد

بقیه حاشیه از صفحه قبل

بابن فندق ، متوفی بسال ۵۶۵ هجری (رك : مقدمة تاريخ بيهق مصحح مرحوم احمد بهمنیار . تهران ۱۳۱۷ ص ۱۰۱ ، ونیز رك : مقاله آقای فروزانفر در باب خیام) تعلیقات چهار مقاله ص ۳۰۱ بیعد . نشریه دانشکده ادبیات تبریز سال اول شماره ۸ - ۹ ص ۲۰ - ۲۸ ونیز : قدیم ترین اطلاع از زندگانی خیام . مجموعه سخنرانیهای آقای بدیع الزمان فروزانفر . از انتشارات دانشکده ادبیات تبریز - خرداد ماه ۱۳۲۷ ص ۲۱ - ۳۰

تمه صوان الحکمة تالیف مابین سنوات ۵۵۳ - ۵۶۵ (رك : تعلیقات چهار مقاله ص ۳۰۷ ح ۱) ذیلی است بر کتاب صوان الحکمة در تاریخ حکما ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام السجستانی المنطقی (رك : تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تالیف آقای دکتر ذبیح الله صفا - تهران ۱۳۳۱ ج ۱ - ص ۱۹۵ بیعد) کتاب درة الاخبار ولمة الانوار را در زمان سلطنت مغول ایران برای غیاث الدین محمد پسر رشید الدین فضل الله بن ابی الخیر همدانی وزیر معروف ترجمه کرده اند و غیاث الدین محمد رشیدی از ۷۲۵ تا زمانت مرك در ۲۱ رمضان ۷۳۶ وزارت ابو سعید بهادر پادشاه مغول ایران داشته (ص - ی مقدمة درة الاخبار . چاپ تهران - رك : مقاله آقای سعید نفیسی در مجله مهر - سال سوم . شماره ۱۲ ص ۱۱۹۶)

رسم الخط درة الاخبار را بشیوة نگارش امروز تغییر داده ایم . ترجمه مزبور اندکی با اصل تمه چاپ شده اختلاف دارد . این ترجمه نیز بتصحیح آقای محمد شفیع در لاهور در ۱۳۵۸ ه قمری طبع دوم شده .

در تمه صوان الحکمة (چاپ آقای مولوی محمد شفیع ، لاهور ۱۳۵۱ ه قمری ج ۱ (متن عربی) ص ۱۱۹ - ۱۲۰) چنین آمده است : « الفیلسوف ابوحاتم المظفر الاسفزاری - کان حکیماً ماصراً للفیلسوف عمر الخیامی و بینهما مناظرات ولكن المظفر عنه بیعد والغالب علی المظفر علوم الهيئة و علم الاثقال والحیل و کان حانیاروفاً بالمستفیدین علی خلاف طبیعة الخیامی ، وللمظفر تصانیف كثيرة فی الرياضیات والاثار الملویة وغير ذلك وهو الذی عمل میزان [ارشمید] س الذی يعرف به القش والعیار و صرف عمره فی ذلك مدة فغاف خازن السلطان الاعظم وهو خصی یقال له سعادة الخازن ظهور خیانته فی الخزانة بسبب هذا المیزان فكسره وقتت اجزآه ، ولما سمع الحکیم المظفر مرض ومات اسفاً ، ومن کلماته قوله : نسبة اللذة الحسیة الی اللذة العقلیة کنسبة المتنسم الی المتطعم وقال : المعلم اب روحانی والوالد اب بشری و قال : علم المهندس سبب للبناء فالمهندس بعلمه هو الاصل ویتلوه البانی ثم الاجیر فیامر المهندس البانی والبانی الاجیر ویتصرف فی الماء والطين . یجب ان یكون الملك سخیا علی نفسه وعلی رعیتة . »

در ترجمه کتاب نزهة الارواح و روضة الافراح فی تواریخ الحكماء المتقدمین و المتأخرین شمس‌الدین محمد بن محمود شهرزوری^۱ که مابین سنه ۵۸۶ - ۶۱۱ تألیف شده است^۲ چنین آمده « ابو حاتم عالم بعلوم ریاضی و ماهر در فنون فلسفه و آداب انسانی. ابو حاتم معاصر با عمر خیام نیشابور است و معارض و مناظر بالو. مظفر در علم هیئت و جراتقال ماهر بوده و در حسن اخلاق و نیکی فطرت و ترحم نمودن بحال فقرا و محتاجین مشهور. ابو حاتم صاحب تألیفات کثیره است در انواع علوم ریاضی و آثار علوی و حرکات کواکب. از جمله هنرهای او یکی این بود که ترازی ارشمیدس که معروف بمیزان غش و عیار است ساخته و تسلیم خازن سلطان نمود. خزینه‌دار که در عمل خود خیانت و تقلب کرده بود، از بازخواست سلطان ترسیده آن میزانرا بشکست و اجزاء آنرا در زیر خاک پنهان ساخت. مظفر چون بر عمل خواجه خزینه‌دار مطلع شد رنجیده خاطر گشته که زحمات چندین ساله‌اش بهدر رفته از غصه مریض گشته و در اثر همان مرض دارفانیرا وداع کرده و بعالم بقاء پیوسته. از سخنان ابو حاتم است که گفته^۳: نسبت لذات حسی بلذات عقلی همچون نسبت مشمومات است بمطعمومات »

آقای مدرس رضوی نیز در مقدمه « رساله آثار علوی » نوشته‌اند « چندین نفر دیگر از معاصرین وی نیز در مؤلفات خود از او نام برده‌اند [که دلیلی بر بلندی مقام و] ۱ - برای شهرزوری رجوع کنید به حاج خلیفه (کشف الظنون چاپ فلوگل - لندن ۱۸۵۲ ج ۶ ص ۲۲۱ - چاپ دوم ترکیه ۱۳۶۲ هـ قمری ج ۲ ستون ۱۹۳۹) و دیباچه زاخانو بر کتاب الانار الباقیه عن القرون الخالیة تألیف ابی الریحان محمد بن احمد البیرونی الخوارزمی لایبسیک ۱۸۷۶ - ۱۸۷۸ ص L - L. و ظاهراً این همان شهرزوری است که شارح حکمة الاشراق شیخ شهاب‌الدین سهروردی است و نسخه‌ای ازین شرح در بریتیش میوزیوم موجود است بلامت 217 . Arumd Or . و رک: حکمت اشراق و فرهنگ ایران بقلم آقای دکتر محمد معین در مجله آموزش و پرورش سال ۲۴ - تهران ۱۳۲۹ ص ۴۲ - ۴۴ (از تعلیقات چهار مقاله ص ۳۱۱ ح ۸)

۲ - برفسور ساخانو در مقدمه الآثار الباقیه لابن ریحان البیرونی ص ۵۱

(تعلیقات چهار مقاله ص ۳۱۱ ح ۹)

۳ - کتاب کنز الحکمة ترجمه مرحوم ضیاء الدین دری از متن عربی تاریخ الحكماء

شمس‌الدین شهرزوری - تهران ۱۳۱۶ ج ۲ ص ۷۷ - ۷۸

علوم مرتبه‌آو و نشانی از اهمیت و درجه علمی او در آن روزگار است .

نظامی عروضی سمرقندی در چهار مقاله حکایت کند که در سنه ۵۰۶ امام

عمر خیام و امام مظفر اسفزاری را در منزل بوسعد جره ببلخ دیدار کرده ^۱ .

احمد بن عمر بن علی نظامی عروضی سمرقندی در « چهار مقاله » (تألیف در

حدود ۵۵۰ هجری قمری) چنین گفته است : « در سنه ست و خمسمائة شهر بلخ در

کوی برده فروشان در سرای امیر ابوسعید جره خواجه امام عمر خیامی و خواجه

امام مظفر اسفزاری نزول کرده بودند ، و من بدان خدمت پیوسته بودم . ^۲ »

آقای مدرس رضوی نیز در مقدمه « رساله آثار علوی » نوشته‌اند : « شیخ

جلیل عبد الرحمن خازنی که او نیز از حکما و ریاضیین آن عصر و در کار بستن

رصد امام خیام و امام مظفر همکاری بوده در کتاب میزان الحکمة ^۳ و همچنین شهردان

بن ابی الخیر در کتاب نزهت نامه علائی نام او را در مؤلفات خویش آورده‌اند . ^۴ »

شهردان بن ابی الخیر رازی در نزهت نامه علائی گفته است : « ... کتابی یافتیم

که خواجه حکیم ابوحاتم مظفر بن اسمعیل اسفزاری رحمه الله کرده بود اندر آثار

علوی بغایت نیکویی و اختصار و لفظ مبین ، همچنان نسخهت کردم و تألیف خویش

۱ - تعلیقات چهار مقاله ص ۳۶۵ - رك : « رساله آثار علوی یا کائنات جو » مقدمه

مصصح ص الف .

۲ - چهار مقاله تألیف احمد بن عمر بن علی نظامی عروضی سمرقندی . طبق نسخه

مصصح علامه مرحوم محمد قزوینی . بکوشش آقای دکتر محمد معین - تهران ۱۳۳۴ ص ۱۲۷ .

۳ - عبد الرحمن خازنی در میزان الحکمة (تألیف در ۵۱۵ ه برای سلطان سنجر

سلجوقی) (چاپ حیدرآباد دکن ۱۳۵۹ ه قمری ص ۸) در ذکر ابوحفص عمر الخیامی چنین

گوید : « و کان معاصره الامام ابوحاتم المظفر بن اسمعیل الاسفزاری ناظرأفیه مدقاحسن

نظر - ... » (رك : تعلیقات چهار مقاله ص ۳۰۰ - ۳۰۱ و ص ۳۶۵ ح ۱

۴ - تعلیقات چهار مقاله ص ۳۶۵ - رك : « رساله آثار علوی یا کائنات جو » مقدمه

مصصح ص الف .

بدان آراسته گردانیدم و زیادت و نقصانی نرفت الاخطبه که نبشته نیامد و زیادتی تعلیقت بر حواشی او . . . »^۱ آقای مدرس رضوی نیز در مقدمه « رساله آثار علوی » گفته‌اند:^۲

نام و کنیه^۳ « نام و کنیه او چنانکه ذکر شد ابو حاتم مظفر است و در هر جا که نام او با کنیه با هم آورده شده بهمین صورت (ابو حاتم مظفر) دیده میشود . ولیکن ابن اثیر در کامل التواریخ در ذیل حوادث سال ۴۶۷^۴ و بتبع او ابوالفدا^۵ و مورخین دیگر که ذکری از تاریخ جلالی^۶ و بستن رصد بنام ملک‌شاه کرده و نام حکما و منجمین و ریاضینی که در آن کار شرکت داشته برده‌اند ، او را ابوالمظفر نوشته‌اند که تصور میشود کنیه اوست . و با گفته‌های معاصرین او مانند نظامی عروضی در

۱ - مقالات دهم نزهت نامه علامی که پس از مقابله نسخ خطی (کتابخانه‌های بودلیان گوتا ، ملی ملک بشماره ۸۶۵ و مجلس شورای ملی) بوسیله راقم این سطور و آقای محمد خوانساری تصحیح شده و برای چاپ آماده میباشد . رک : رساله آثار علوی یا کائنات جو مقدمه مصحح ص ۵

۲ - تعلیقات چهارمقاله ص ۳۶۶ ببعده . رک : رساله آثار علوی یا کائنات جو مقدمه مصحح ص ب ببعده .

۳ - عنوان را آقای دکتر محمد معین افزوده‌اند . (آ . ن . ک)

۴ - رک : ص ۲ - ۳ مقدمه حاضر

۵ - در کتاب المختصر فی اخبار البشر تألیف عمادالدین اسماعیل ابی الفداء (متوفی ۵۷۲۲ هـ) چاپ مطبعه الحسینیه مصر ۱۳۲۵ هـ قمری ج ۲ ص ۱۹۲) در حوادث سنه ۴۶۷ هـ « ابوالمظفر الاسفرائینی » آمده است .

۶ - این تاریخ که بتاریخ جلالی نامیده شده منسوب بسلطان جلال الدین ملک‌شاه سلجوقی (سنه ۴۶۵ - ۴۸۵) است و سبب وضع این تاریخ آن بوده است که در آن زمان تاریخ فرس مستعمل بود و بجهت عدم کبیسه اوائل سالها مختلف میشد ، پس حکما و فضلا روزگار که در مجلس سلطان راه داشتند از جمله عمر النخیامی و مظفر الاسفزاری و میمون النجیب الواسطی (و ابوالعباس اللوگری و عبدالرحمن الغازنی) (و محمد بن احمد مموری

بقیه حاشیه در صفحه بعد

بیهقی . رك : التفهیم ابوریحان محمد بن احمد بیرونی بانصیح و مقدمه و شرح و حواشی آقای جلال همائی تهران ۱۳۱۶ ص ۲۴۰ ح (آ . ن . ك) بر آن اتفاق نمودند که تاریخی رضع کنند که اوائل سال همیشه دريك موسم باشد و بمور زمان متغیر نشود و باین سبب اسم پادشاه روزگاری بماند ، پس این تاریخ وضع کردند و مبداءش نزد بعضی یکشنبه پنجم شعبان سنه ۴۶۸ هجریست و نزد بعضی دیگر جمعه دهم رمضان سنه ۴۷۱ هجریست چنانچه تفاوت ۱۰۹۷ روز باشد و سبب اختلاف معلوم نیست (آقای مدرس رضوی) بیشتر نظر آقای تقی زاده را در این باب آورده ایم - رك : تعلیقات چهار مقاله ص ۳۱۶ ح ۲ و ص ۳۶۴ - ۳۶۵ ، و رك : ص ۲ ح ۲ مقدمه حاضر و نیز رك : دائرة المعارف اسلام (Encyclopedie De L' Islam) ذیل کلمه عمر خیام بقلم آقای و . مینورسکی (Article De M' V' Minorsky) و کلمه جلالی بقلم ه . سوتر (H' Suter) برای ابوالفتح عمر بن ابراهیم الخیامی النیشابوری رك : تعلیقات چهار مقاله ص ۲۹۲ ببعده .

ابوالعباس فضل بن محمد لوگری

آقای دکتر ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران (ج ۲ ص ۲۹۲ ببعده) آورده اند :
 « . . . نخستین حکما و فلاسفه این عهد [از میانه قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم] کسانی بوده اند که در حوزه تعلیم شاگردان این سینا تربیت شدند . از بزرگترین این فیلسوفان یکی ابوالعباس فضل بن محمد لوگری مروزی است ، از لوگر در کنار رود مرو (در باره لوگر رجوع شود به معجم البلدان یا قوت در ذیل همین نام) ، که از مشاهیر حکمای عهد خود و مربی چندین تن از دانشمندان و فلسفه دانان قرن ششم بوده است . وی شاگرد بهمینار و بهمینار شاگرد ابوعلی بن سینا بوده . بیهقی گوید . (تمه صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۱۲۰ - ۱۲۱) : « بوسیله ابوالعباس علوم حکمت در خراسان انتشار یافت و او باجزاء علوم حکمت عالم بوده است و دیده وی در پیری نابینا شد و او در ناحیه مرو از خاندان جلیل و از ارباب بیوتات بود .

و براتصانیف بسیار است مانند بیان الحق بضمن الصدق و قصیده بی با شرح آن بفارسی و رسائل دیگر و تعلیقات و مختصرات و دیوان شعر . « در اتمام التمه (مستفاد از تعلیقات تمه صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۲۰۴) آمده است که بزرگترین اقران لوگری در میدان حکمت

بقیه حاشیه از صفحه قبل

الغیامی (خیام) وابن کوشک والواسطی بوده‌اند لیکن هیچیک بگرداو نرسیده‌اند - از مهمترین آثار لوکری بیان الحق اوست و او خود در آغاز آن آورده است که از سخنان فارابی و بوعلی و حکیمان دیگر استفاده کرده و در بیان حقایق از تطویل سخن باز ایستاده و در همان حال از ذکر لوازم امور سرباز نرده است . . . نسخه منحصری از این کتاب در جزو کتب اهدائی آقای سید محمد مشکوة بکتابخانه دانشگاه تهران ، موجود است (رجوع شود بفرست کتابخانه دانشگاه تهران ج ۳ بخش ۱ ص ۱۶۲ - ۱۶۵) « صاحب اتمام القتمه چهل و شش ایات لوکری را درج کتاب خود کرده است (تمه صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۱۲۱ ح ۴) (آ. ن. ک)

«از شاگردان معروف لوکری یکی قطب الزمان محمد بن ابوطاهر طبری مروزی بود (متوفی ۵۳۹) . . . دیگر مجد الافاضل قاضی عبد الرزاق ترکی . . . دیگر شرف الزمان (یا شرف الدین) محمد بن یوسف الایلاقی (متوفی ۵۳۶ هـ) . . . دیگر فرید الدین عمر بن غیلان باغی . . . دیگر عین الزمان حسن قطان مروزی (۴۶۵ - ۵۴۸) . . . و دیگر امام الاجل ابوالفتح اسمعیل بن محمد بن ابونصر المیهنی (متوفی بعد از سال ۵۲۰ یا در سال ۵۲۷ هـ) . . . ترجمه حال لوکری در نزهة الارواح و روضة الافراح تألیف شهر زوری (نسخه برلن شماره Ldbg 430) موجود است (تمه صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۱۲۰ ح ۸) (آ. ن. ک)

ابوالفتح عبدالرحمن المنصور الخازنی

در تاریخ ادبیات در ایران (ج ۲ ص ۳۱۰) چنین آمده است: «ابوالفتح عبدالرحمن المنصور الخازنی - غلام رومی مملوک ابوجعفر الخازن ، ریاضی دان و دانشمند مشهور قرن ششم است که در هیئت و نجوم سرآمد اهل زمان بود . مهمترین کتاب او «زیج السنجری» یا «المعتبر السنجری» است که از آن نسخی در دست است و کتابی دیگر دارد بنام «میزان الحکمة» در باره حیل و اوزان (تمه صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۱۶۱-۱۶۲، آلدومیلی ص ۱۵۴) (Aldo Mieli , La science arabe , leiden 1939) « آقای سید جلال الدین طهرانی در گاهنامه ۱۳۱۱ (ص ۱۸۴ - ۱۸۵) نگاشته‌اند : «عبدالرحمن خازنی معروف بزاهد از علماء ریاضی و در صد در قرن پنجم و ششم است که در سال ۶۶۷ در مجمع اصلاح

بقیه حاشیه از صفحه قبل

تاریخ و وضع تعدیل جلالی حضور داشته در ۵۱۳ زیج شاهی را تالیف نموده و در ۵۲۵ کتابی مانند زیج در اواسط کواکب آورده است و از تاریخ وفاتش مطلع نیستم (وی لاقلاً تا تاریخ دوازدهم ربیع الاول سال ۵۲۵ هجری قمری مذکور در کتاب الآلات العجیبة الرصدیة حیات داشته است (حواشی و توضیحات قراضة طبیعیات بقلم آقای دکتر غلامحسین صدیقی تهران ۱۳۳۲ هجری شمسی ص ۱۷۵ ح ۱) (آ. ن. ک.)

از تالیفات خازنی «رسالة فی الآلات العجیبة» است ... این کتاب مشتمل بر هفت مقاله در شرح برخی از آلات رصدیه قدماء است ...

عبدالرحمن زیجی بنام سنجری بنام سنجر پادشاه سلجوقی تالیف کرده که يك نسخه خطی آن در کتابخانه واتیکان موجود است و در آن کتاب مانند ادوار سندهندچداولی ساخته است (رك:

C. A. Nallino - AI - Batteni Opus Astronomicum ' cf. Par ex. t. I, PLXVII Et I ' Index.) (آ. ن. ک.) (دائرة المعارف اسلام مقاله ویدمان)

در فهرست کتابخانه حمیدیه (استانبول ۱۳۰۰ ص ۴۶) «الوجیز فی الزیج السلطان از ابوالفتح عبدالرحمن الخازنی» آمده است (تتمة صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۱۶۱ ح ۴) (آ. ن. ک.)

عبدالرحمن خازنی در حدود ۵۱۳ برای سنجیدن وزن مخصوص اجسام قانونی وضع کرد که تعقیب میزان ارشمیدس بوده و میزان الحکمة ساخت (میزان الحکمة اسبابی مرکب از آفتابه و ترازوئی است مانند ترازوئی ارشمیدس و با آن وزن مخصوص اجسام را میسنجیدند ...)

و نیز عبدالرحمن ترازوئی اختراع کرد که از غرائب مکانیک بشمار میرفت و میزانش بطور اعشار خوانده میشد و تا سه رقم اعشارش صحیح است و نیز از ساخت خازنی در ۵۱۵ ساعت آبی بنام میزان الساعه در کتاب خوانده ام - خازنی معاصر عمر خیام و ابن سالار و انوری بوده است.

برای مأخذ رك : قراضة طبیعیات منسوب به شیخ رئیس ابو علی سینا با مقدمه و حواشی و تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی ص ۱۷۵ - ۱۷۶ - و نیز رك : کتاب ریاضیون و منجمین عرب تالیف سوتر - لایپتسیک ۱۹۰۰ ص ۱۲۲ و ۲۲۶

H. Suter ' Die Mathematiker und Astronomen Der Araber und

بقیه حاشیه در صفحه بعد

چهار مقاله^۱ و شهر دان بن ابی الخیر در نزهت نامه علائی^۲ و خازنی در کتاب میزان الحکمة^۳ و ابوالحسن بیهقی در کتاب تتمه صران الحکمة^۴ و از پس آنها شهرزوری

۱ در چهار مقاله نظامی عروضی بکوشش آقای دکتر محمد معین (تهران ۱۳۳۴ ص ۱۲۷ «خواجه امام مظفر اسفزاری» آمده است .



بقیه حاشیه از صفحه قبل

(آ . ن . ك .) (226 ' 122 s . 1900 ' Leipzig ' ihre Werke)

میمون بن النجیب الواسطی

در درة الاخبار و لمة الانوار (چاپ تهران ۱۳۱۸ ص ۶۲-۶۳) درباره «الحکیم میمون بن النجیب الواسطی چنین آمده است: «طیبی بود فاضل و حکیمی کامل منطق و طبیعی و الهی کتاب شفا تمام یادداشت و قطعاً با اهل دنیا از خداوندان جاه و مال مخالفت نکردی چنانکه شرف الدین ظهیر الملک علی بن الحسن البیهقی عامل هرات بجان آرزوی صحبت او داشتی بعمل [بن را] نیافتی، و از آن قبیل عزت نفس عظیم داشت، چنان شنیده‌ام که وقتی ظهیر الملک را مرضی صعب عارض شد چنانکه به‌معالجت میمون اضطراب یافت چاره آن د[د] که جمعی از اترک در خانه او نزول داد تا بضرورت میمون برفع حال باعمال محتاج گشت، چون بدر خانه ظهیر الملک آمد [بفر]مود تا او را بازداشتند تا او را معالجت کرد، و از حکم جان پرور اوست هر گاه که ترا از خطائی حاجتی روا گردد زنهار تا بر آن اقدام بر خطا معاودت ننمایی و از صور صواب مجتنب نگردی چه سلامت بعد از خطا اگر باشد بر سبیل ندرت تواند بود، خردمند آنست که اگر بلائی باو نزول کند در طلب حیات دفع آن عاجز نگردد و حزم اینست .

و گفته اند او واسطی الاصل بود و خوزی المولد، و اقامت بهرات داشت .» (رسم الخط

رابشیوة نگارش امروز تغییر داده‌ایم)

در کتاب نزهة الارواح و تصریح آنها بنام و کنیه او (ابو حاتم مظفر) جای تردید در اشتباه ابن اثیر و پیروان او نیست ، ^۱ «

پدر ^۲ - « در نام پدرش ظاهراً اختلافی نیست ، و در میزان الحکمة و نزهت نامه هردو ، نام پدر او اسمعیل آورده شده است . »

نسبت ^۳ « و نیز چنانکه معاصرین او همه نوشته اند وی از اهالی اسفزار ^۴ که شهر کی از خراسان پیشین و حالیه جزو خاک افغانستان است بوده ، و اینکه در بعض کتب مانند تواریخ ابوالفداء و کنز الحکمة ترجمه تاریخ الحکماء شهرزوری ^۵ و تذکرة النوادر (در یک موضع) او را اسفرائینی ^۶ و در رساله دیگری او را

۱ - در نسخه خطی « رساله الشبکه » « ابی المظفر الاسفزاری » آمده است و این مسلماً اشتباه است (رك : ص ۳۱ بعد و ص ۴۷ مقدمه حاضر)

۲ و ۳ - عنوان را آقای دکتر محمد معین افزوده است (آن . ن . ك)

۴ - اسفزار [اَفْ] و [اِفْ] (اسم خاص) شهری از نواحی سیستان از جهت هرات .. (معجم البلدان) . . . از توابع شهر هرات است بیست باره قریه آباد دارد و مسکن جماعت ابدالی از قوم افغانه است (انجمن آرای ناصری) . .

اسفزاری - منسوب باسفزار - شهری بین هرات و سجستان (انساب سمعانی)
(لغت نامه مرحوم دهخدا : اسفزار و اسفزاری) (آ . ن . ك)

۵ - در کنز الحکمة (ص ۷۷) « ابو حاتم مظفر اسفرائینی » آمده است . (آ . ن . ك)

۶ - اسفرائین [اِفْی] یا اسفرائین [اِفْ] (اسم خاص) شهری بخراسان (دمشق) . . .

اسفرائینی [اِی] با اسفرائینی [اِفْ] منسوب باسفرائین و اسفرائین - شهر کی در نواحی نیشابور در نیمه راه جرجان (انساب سمعانی) ..

(از لغت نامه مرحوم دهخدا : اسفرائین و اسفرائین و اسفرائینی)

(آ . ن . ك)

شیرازی^۱ نوشته‌اند، مسلماً اشتباه و ناشی از نزدیکی صورت کتبی اسفزار با اسفراین و شیراز است، و از همین روست که دیده میشود گاهی نقل ترجمه بخلاف اصل است و یاد در دو نسخه از یک کتاب در یکی اسفزاری و در دیگر اسفراینی ضبط شده است ولیکن چون در کتب معاصرین او عموماً اسفزاری است مسلماً صورتهای دیگر آن غلط است.^۲

تاریخ ولادت^۳ «تاریخ ولادتش معلوم نیست لیکن زمان تقریبی آن را می‌توان بحدس تعیین کرد چه چنانکه ابن اثیر در کتاب تاریخ کامل در ذیل حوادث سال ۴۶۷ ذکر کرده و همچنین جمع دیگر از مورخین آورده اند در این سال ملک‌شاه و خواجه نظام‌الملک وزیر برای اصلاح تاریخ و بستن رصد عده از حکما و منجمین و ریاضیین را که امام عمر خیام و ابوحاتم مظفر در آن جمع بودند باصفهان

۱ - رك : رساله در شناخت کائنات جو و طبقات هوا و خاک .

(نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی تهران ورق ۲۱ مجموعاً ۴) نیز رك : ص ۳۰ و ح ۲ مقدمه حاضر . (آ . ن . ك .)

۴ - بارون دوسلان در فهرست نسخ خطی عربی کتابخانه ملی پاریس (پاریس ۱۸۸۳ - ۱۸۹۵ - ص ۴۳۴)

(Catalogue des Manuscrits arabes de la Bibliothèque

Nationale de Paris . 1883 - 1895 . P . 434)

چنین نگاشته است : «المقالة الرابعة عشر من اختصار الامام المظفر الاسفرلدى لاصول اقليدس» چنانکه ملاحظه میشود بجای «الاسفزاری»، «الاسفرلدى» نوشته است رك : ریاضیون و منجمین عرب تألیف سوتر ص ۱۱۴ (نمره ۲۶۸) و ص ۲۲۵ (پیوسته در نسخه خطی نزهت نامه علائی کتابخانه ملی ملک بشماره ۸۵۹ کتب بجای اسفزاری «سبزواری» نوشته است (آ . ن . ك .)

۳ - عنوان را آقای دکتر محمد معین افزوده اند (آ . ن . ك .)

دعوت کرده و آنان بر حسب فرمان باصلاح تاریخ مشغول شدند، و ابو حاتم را در آن وقت مسلماً شهرت بسیاری بوده و در زمره بزرگان و رجال علم محسوب میشده پس اگر کمینه سن او در آن موقع سی سال فرض شود و ولادتش باید در حدود ۴۳۷ یا پیش از آن تاریخ باشد.

احوال وی. «از دیگر احوال و چگونگی زندگانی علمی و محل تحصیل او و همچنین اسائیدی که از آنها علوم فلسفه و فنون ریاضی را آموخته و معلومات خود را از آنها فرا گرفته هیچ آگاهی و اطلاعی بدست نیامد. چنانکه گفته شد در کامل ابن اثیر^۱ و دیگر تواریخ است که «خواجه نظام الملک وزیر بامر ملک شاه جماعتی از اعیان منجمین مثل عمر بن ابراهیم خیام و مظفر اسفزاری و میمون بن نجیب واسطی و غیر ایشان را جمع کرد تا نوروز فرس را یعنی روز رسیدن آفتاب را باول نقطه برج حمل (فروردین) قرار دادند و دانشمندان ۱۸ سال مساعی جمیله بظهور رسانیدند، چون در سنه ۴۸۵ ملک شاه نمازد آن رصد معطل ماند و جمعیت علما متفرق گشت» از این رو میتوان گفت که ابو حاتم نیز از سال ۴۶۷ تا سال ۴۸۵ که سال مرگ ملک شاه است در اصفهان می زیسته و بعدها بخراسان و هرات افتاده است، و از آنجا ببلخ رفته و نظامی عروضی او را با عمر خیام در آنجا دیده است و شاید پس از آن برای تقدیم میزان ارشمیدس ساخته خود بمر و دار الملک سنجر نیز رفته باشد.

وفات ابو حاتم. در کتاب شاهد صادق و همچنین در کتاب فهرست التواریخ رضاقلی خان هدایت مرگ ابو حاتم بسال ۵۴۵ نوشته شده ولیکن ظاهراً این تاریخ وفات درست نیست، چه شهرمدان بن ابی الخیر که همزمان با اوست و کتاب زهت نامه علانی را در اوائل قرن ششم بنام «علاء الدوله ابو کالیجار کرشاسف بن علی بن

فرامرز بن علاءالدوله محمد بن دشمنزیار^۱ تألیف کرده و رساله آثار علوی حکیم اسفزاری را در آن کتاب بتمامی آورده در آنجا از ابو حاتم بشخص در گذشته یاد کرده چنین گوید:

«... کتابی یافتیم که خواجد حکیم ابو حاتم مظفر بن اسمعیل اسفزاری رحمه الله کرده بود اندر آثار علوی بغایت نیکویی و اختصار و لفظ مبین...» و این عبارت ظاهر در این است که هنگام تألیف کتاب نزهت نامه ابو حاتم زنده نبوده است و سال تألیف نزهت نامه اگر چه بدرستی معین نیست لیکن از آنجا که آن کتاب را بنام ابو کالیجار کرشاسف کرده و او در تاریخ ۵۱۳ از محل حکمرانی خود گریخته^۲ و بسططان سنجر پناه برده است باید مال تألیف کتاب پیش از ۵۱۳ باشد.

دیگر آنکه عبدالرحمن خازنی که هم از معاصرین ابو حاتم است و کتاب

۱ - شهردان بن ابی الخیر رازی در نزهت نامه علانی چنین گوید: «... چون مدتی روزگار پیرداختن تألیف این کتاب بر آمد، و از زیادت و نقصان کردن فارغ شده بودم آنرا عدتی و ذخیرتی همی ساختم تا بدان خویشتن را در مجلس عالی خداوندی امیر اجل مؤید مظفر منصور ملک عادل عضدالدین ظهیرالاسلام علاء الدوله و جمال الملة و فخر الامة شمس الملوك سید الامراء مرزبان الدیالم خاصبک ابو کالیجار کرشاسف حسام امیرالمؤمنین اعز الله نصره ابن الامیر المؤید ملک طبرستان علی بن شمس الملوك فرامرز بن الملك العادل علاءالدوله محمد بن دشمنزیار رضی الله عنهم و قدس ارواحهم عرضه کنم و عذر تقصیر و تأخیر بخدمت ناپیوستن نموده باشم از بهر زینت و بزرگ داشتن این کتاب را نزهت نامه علانی نام نهادم...» (مقدمه نزهت نامه علانی که پس از مقابله نسخ خطی (کتابخانه‌های بودلیان، گوتا، ملی ملک، مجلس شورای ملی) بوسیله آقای محمد خوانساری و راقم این سطور تصحیح شده است و برای چاپ آماده می‌باشد

۲ - نزهت نامه علانی تألیف شهردان بن ابی الخیر، مقدمه آن بنام علاء الدوله با کالیجار کرشاسف بن امیرعلی بن فرامرز بن محمد بن دشمنزیار از امرای کاکویه موشح است (پنجمین پادشاه سلسله کاکویه اصفهان و همدان است دوره حکمرانی او از ۴۸۸ تا حوالی ۵۱۳ بوده است رک: تعلیقات چهارمقاله ص ۴۴۴

میزان الحکمة خود را در سال ۵۱۵ تألیف کرده در آن تألیف گوید که ابوحاتم پیش از آنکه کتاب میزان الحکمة را تمام و بیاض برد بجوار رحمت حق رفت . پس وفات او باید بین سالهای ۵۰۶ که نظامی عروضی او را ببلخ در منزل ابوسعده جره با حکیم عمر خیام دیده است^۲ و احتمالاً سال ۵۱۳ و قطعاً ۵۱۵ که سال تألیف میزان الحکمة خازنی است باشد .

بقیه حاشیه از صفحه قبل

ورك : تاریخ مختصر ایران پاول هرن . ترجمه آقای دکتر رضا زاده شفق تهران ۱۳۱۴ ص ۱۲۰ - ونیزرك : لغت نامه مرحوم دهخدا : ابو کالنجار کرشاسف دوم - (آ . ن . ك) ناصر خسرو در سفر نامه خود در سال ۴۴۳ که بصره در آمده نامی از مؤلف این کتاب برده و گوید حاکم بصره پسر باکالنجار حاکم شیراز است و وزیر او ابومنصور شهردان نام فارسی است (آیا همین شخص مراد است ؟ (آقای دکتر محمد معین) (رك) سفر نامه حکیم ناصر خسرو - چاپ برلین ۱۳۴۱ ه قمری ص ۱۲۸ (آ . ن . ك) و دیگر از این شخص در جایی نامی دیده نشد و چنانکه شهردان خود در باب صاعقه از همین رساله (آثار علوی یا کائنات جو) حاشیه افزوده معلوم میشود که وقتی بطبرستان و هنگامی بکاشان بوده است و صاعقه ای [را] که در کاشان بسال ۴۷۷ (یا ۴۷۵ . رك) : نسخ خطی نزهت نامه علائی متعلق به کتابخانه های بودلیان و انجمن آسیایی بنگال (آ . ن . ك) روی داده خود بچشم دیده است . تألیف نزهت نامه ظاهراً بین سالهای ۵۰۶ و ۵۱۳ بوده چه چنانکه ذکر شد تألیف آن محققاً بعد از مرك حکیم ابوحاتم مظفر اسفزاری بوده و چون او را در سال ۵۰۶ ببلخ نظامی عروضی دیده است پس باید تألیف آن پس از مرك حکیم اسفزاری که محققاً از تاریخ بالا بعد بوده است باشد . و از آن رو که کتاب بنام علاء الدوله کرشاسف پسر امیر علی صاحب یزد (واو همان کسی است که احمد بن حسین بن علی کاتب مؤلف تاریخ یزد او را کرشاسب [علاء] الدوله امیرزاده علی خواننده و بطوریکه در مرآت

بقیه حاشیه در صفحه بعد

بقیه حاشیه از صفحه قبل

البلدان ناصری است مسجدی هم از آثار او در یزد بوده) (در مرآت البلدان ناصری تألیف محمد حسن خان صنیع الدوله مراغه‌ای فرزند حاجی علیخان اعتماد السلطنه (چاپ تهران ۱۲۹۶ هـ ج ۴ ص ۱۲۴ چنین آمده است: «جامع یزد - گویند ابتدا سلطان علاءالدوله گرشاسب بن علی بن فرامرز بن سلطان علاءالدوله کالنجار مسجدی عالی ساخته که معروف بمسجد عتیق شد . . .» - در تاریخ جدید یزد تألیف در اواخر قرن نهم هجری (چاپ یزد ۱۳۱۷ ص ۱۲۴)، احمد بن حسین بن علی الکاتب گوید: «... بدانکه مسجد قدیم را مسجد عتیق خوانند و بانی او علاءالدوله گرشاسب بن علی فرامرز بن علاءالدوله کالنجار بود . . .»؛ چنانکه ملاحظه میشود جای «علاءالدوله گرشاسب بن علی بن فرامرز» «علاءالدوله گرشاسب بن علی فرامرز» نوشته است و این برسم زبان فارسی است که اسم را بنام پدر یا جد اضافه کنند بدون انتحام لفظ: «ابن» رک: تعلیقات چهارم مقاله ص ۱۱۹ و چنانکه در مجمل التواریخ و القصص آمده:

«روز سه‌شنبه ۲۱ ربیع‌الاول (۵۱۳) . . . ، امیر علاءالدوله گرشاسب بن علی بن فرامرز را بفرمان سلطان (محمود بن محمد بن ملک‌شاه) اندر خیمه بگرفتند و بقلعه فرزین بردند و بماء رجب اندر، علاءالدوله دزد اروابکشت، و از فرزین سوی خراسان رفت بدرگاه سلطان اعظم (یعنی سلطان سنجر)» رک: مجمل التواریخ و القصص تألیف سال ۵۲۰ هجری بتصحیح مرحوم ملک الشعراء بهار - تهران ۱۳۱۸ هـ شمسی . ص ۴۱۴ (آ. ن. ک.) (و با احتمال قوی ازین تاریخ بیع‌دین‌خاندان را در یزد و بلاد عراق فرمانروائی نبوده و علاءالدوله فرامرز بن علی که ظاهراً برادر همین گرشاسب است و ابو الحسن بیهقی او را در زمرة حکما و فلاسفه آورده (در تمة صوان الحکمة (چاپ لاهور ص ۱۱۰) چنین آمده «الملك العالم العادل عضد الدنيا والدين علاءالدوله فرامرز بن علی بن فرامرز ملك یزد - كان ملكاً عالماً عادلاً رأیته بخراسان سنة ست عشرة وخمسائة وكانت عرض علی والدی تصنیفه الذی سماه مهجة التوحید . . .» . در درة الاخبار ولعة الانوار (چاپ تهران ص ۷۰ و ۱۶) مترجم تغییری داده و چنین نگاشته است: «الملك العالم العادل

بقیه حاشیه از صفحه قبل

عضد الدنيا و الدين علاء الدولة فرامرز علی بن فرامرز ملك یزد . . « چنانکه ملاحظه میشود بجای «فرامرز بن علی بن فرامرز» ، «فرامرز علی بن فرامرز» نوشته است . در تاریخ بیهق (تألیف ابوالحسن علی بن زید بیهقی در ۵۶۳ هجری با تصحیح و تعلیقات مرحوم احمد بهمنیار - تهران ۱۳۱۷ ص ۲۲۴) ذکر ابن امیر چنین آمده است : « ملك عالم عادل عضدالدولة والدين علاءالدولة فرامرز بن علی شاه یزد . . » (رك : تنمة صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۱۱۰ ح ۶) - نیز بقول مرحوم علامه میرزا محمدخان قزوینی ابن ملك پسر علی بن ابی منصور فرامرز بوده است (رك : یادداشتهای قزوینی بکوشش آقای ایرج افشار - تهران ۱۳۳۶ ج ۳ ص ۲۰۴) (ونیز رك : تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی آقای دکتر ذبیح الله صفا - ج ۱ ص ۲۷۸)

مهجة التوحید - حاج خلیفه در کشف الظنون (چاپ دوم ترکیه - ۱۳۶۰ هـ قمری ج ۱ ستون ۲۵۸) چنین نگاشته است : « مهجة التوحید - لعضدالدین . . ملك یزد کذا ذکره الشهرزوری فی تاریخ الحکماء وانه کان متخلفا باخلاق الحکماء » - نیز در کشف الظنون (چاپ دوم ترکیه ج ۲ ستون ۱۹۱۲) چنین آمده است : « مهجة التوحید - لعله البهجة كما سبق لعلاءالدولة الملك بالری کان معاصر اللخيام » - پس شاید بقول حاج خلیفه « بهجة التوحید » تصحیف « مهجة التوحید » است . (رك : حواشی و زیادات تنمة صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۲۰۱) (آ . ن . ك .) او نیز در خراسان در خدمت سنجر میزیسته و در جنگی که سنجر را با ترکان قراخطار روی داد (جنك قطوان) در سال ۵۳۶ هـ کشته شده است .

بنابراین تاریخ نزهت نامه نباید مؤخر از ۵۱۳ که سال گرفتاری و فرار گرشاسب بخراسان است ، باشد « (رساله آثار علوی یا کائنات جو - مقدمه آقای مدرس رضوی ص ۵ ح ۱)

نزهت نامه علائی دائرة المعارف است که در فنون مختلف تألیف شده و از مصنفات گرانبهای زبان فارسی است - این کتاب در نوع خود منفرد و مشتمل است بر مقدمه و دوازده مقالات اندر دو قسم و انجام .

بقیه حاشیه از صفحه قبل

غیر از نزهت نامه علائی آثار شهردان بن ابی الخیر رازی شامل مؤلفات ذیل است :

۱- کتاب البدایع - نسخه‌ای از این کتاب موجود نیست (رك : نمونه سخن فارسی نگاشته آقای دکتر مهدی بیانی - تهران - ۱۳۱۷ هـ بخش نخستین از ج ۱ ص ۱۶۹) .

در مقدمه نزهت نامه علائی چنین آمده است : « ... شهردان بن ابی الخیر گوید: چون مدتی در گرگان و استرآباد بر عطلت بماندم از صناعت خویش و آن دبیری و استیفاست ، و روزگار ناهموار ناموافق پیش آمد ، و گفتار حق پیغامبر صلوات الله علیه «من اعان ظالماً سلطه الله علیه» در من کار کرد و اگر چه اولیاء انعم اعز الله نصرهم از درگاه عالی اعلا الله خداوندیها فرمودند و شفقتها نمودند و پیش خدمت خواندند ، از آنچ اسباب موانع مستولی بود ، توفیق مساعدت نمود .

از بهر آسایش و تزجیه الايام چند کتاب تصنیف کردم . از آنجمله یکی کتاب البدایع است در خواص و منافع و طبایع و چند علم دیگر ، که از کتب بسیار برگزیده بودم و جمع کرده پس از بهر آنک بتازی بود خواستم تا فایده آن متداول و منتشر گردد ، و میان خواص و عوام عام باشد ، کتابی ساختم بیارسی دری و بر آن زیادت و نقصان کردم چنانک بایست ، و ترتیب بگردانیدم و از چند نوع دیگر که در آن کتاب نیست در اینجا از هر یک طرفی در آوردم و بر دو اوده مقاله نهادم اندر دو قسم ... »

۲- روضة المنجمین - آقای سید جلال الدین طهرانی در گاهنامه سال ۱۳۱۱

(ص ۱۲۶) نوشته اند : « این کتاب فارسی مشتمل بر ۱۵ مقاله میباشد و در روز ۲۷ رجب ۴۶۶ هجری (در موردی که نام اوج شمس را میآورد) تاریخ شروع تنظیم کتاب است ... » در روضة المنجمین چنین آمده است : « ... کتاب بیان رسید و سیری کردم و امید دارم که بنزدیک دانایان پسنیده باشد و جویای این علم را بسنده بود و دانستن و خواندنش متعلم را از بسیاری کتب مستغنی دارد ، چه از هر نوعی قدر کفایت اشارت کرده ام و از هر گونه نموده ، پس اگر جایگاهی خللی افتاده بود و با چیزی سخن در آن معنی نگفته باشم معذور باید داشتن چه این نه علم و صناعت من است ، و اما دلیری برین جمع کردن از حکیم علی بن

بقیه حاشیه از صفحه قبل

ابرهیم کرمانی یافتیم چه از هر گونه مجارات رفت و حث و بعت تمام کرد و اهتزاز نمود و بیشتر غرض او آن بود تا تحویل سنی موالید نقل کنم. بیماری از آنج احمد بن عبدالجلیل سجزی (احمد بن محمد بن عبدالجلیل سجزی از مشاهیر ریاضیین و معاریف منجمین قرن چهارم هجری است. (رك : تعلیقات چهارمقاله ص ۲۵۹ - ۲۶۱) کرده است بجدول. چون مدت عطلت دو از شد يك يك در او همی پیوستم تا آنج از بهر موالید کبری (ارافادات شفاهی آقای جلال الدین همائی) و تحویل سنی موالید بکار آید علمی و حکمی پرداختم و از بعد آن چون بر استاد مختص ابوالحسن علی بن احمد نسوی عرض کردم، اشارت کرد بزیج تقویم و حکم سال عالم و گفت ضروری باید تا منجم ازین يك کتاب جمله غرضهای خویش حاصل کند و چون این نیز بدو پیوستم چند نوع دیگر بود که رجوع کردن با کتابی دیگر حاجت همی افتاد آن نیز گفته آمد و از درازی کتاب تا حدی اندیشه کردم و بمدت يك سال این جمع توانستم کردن و از میان کتب بسیار برگزیدم چه فزون از صد پاره تصنیف بر خواندم تا آنج بصواب نزدیکتر بود و بعمل آسان تر برگرفتم و اندر اعمال آن قدر که توانستم راه آسانی نمودم. بعون الله و حسن توفیقه و صلی الله علی سید [نا] محمد و اله الطاهرین اجمعین...» (آخر کتاب روضة المنجمین که پس از مقابله نسخ خطی (کتابخانه‌های ملی ملک بشماره ۳۶۰۵ و بشماره ۲۳۶۴ و دانشگاه استانبول بشماره ۱۴۱۸) تصحیح شده است) - در نوع هشتم از مقالات هشتم زهد نامه علامی چنین آمده است: «... کتابی ساخته‌ام در نجوم و آنرا روضة المنجم نام نهاده و پانزده مقاله است...»

مرحوم بهار در سبک شناسی (تهران ۱۳۲۱ ج ۲ ص ۱۵۸ - ۱۵۹) نگاشته است: «... از مطالعه و رسیدگی در تألیفات بزرگ و کوچک علمی که در عصر غزنویان و سلجوقیان بیماری شده است، بخوبی دیده میشود که دنبال سبک قدیم را رها نکرده‌اند، علت اصلی آن بوده است که مؤلمان سعی داشته‌اند کتاب یا رساله خود را بیماری و دری خالص بر نگارند، و این کار موجب آن میشده است که لغات فارسی قدیمی زیاد استعمال کنند، و کلمات و ترکیبات را بصورت اصلی و قدیمی که از قدیم در میان علمای پارسی نویس رسم بوده است بیاورند. بنابراین تادیری یعنی تا قرن ششم و اوایل قرن هفتم نیز کتابهایی در علوم بدست می‌آید که بشیوه قدیم تألیف و تحریر شده است. و مؤید این مطلب شرحی است

بقیه حاشیه از صفحه قبل

که شهردان در همین باره در مقدمه روضه المنجمین نوشته است .
 ازین مقدمه پیداست که در قرن پنجم نهضت تازه‌ای نیز در طرز تحریر کتب علمی پیدا شده بود و نویسنده که در فصل زیر بنوشته‌ها «دری ویژه مطلق که از تازی دشوار ترست» اشاره مینماید مبتنی بر همین سلیقه تازه است و می‌بینیم که خود شهردان در این رساله با آنکه نتوانسته است خویش را از زبرقید سبک دیرین بیرون کشد، باز تاحدی کاری کرده است ، یعنی نمکی از قرن پنجم که نمونه آنرا در بیهقی و سفرنامه ناصر خسرو دیدیم در عبارت شهردان نیز دیده میشود ... »

در مقدمه روضه المنجمین چنین آمده است : «گفتار اندر سبب جمع کردن این کتاب :
 واجبست بر خردمندان که در قدرتهای ایزدی نگاه کنند و آفریده‌های گوناگون بچشم خرد به بینند و بدانند که نهاد جهان و گردش آسمان و احوال که از تأثیرات ستارگان پیداهمی آید چگونه است که از دانستن و تمییز بمقصود توان رسیدن و چون مدتی مرایش آمد از عظمت و بریهوده عمر گذاشتن و جهی دیگر ندانستیم جز این کتاب را آغاز کردن اندر عالم نجوم هر چند که نه صنعت من است تا مبتدی را از آن فایده تمام بود و پایه پایه بر نسق همی رود که چون بآخر کتاب رسد نام منجمی بروی افتد و از بعد این هر کتابی که خواهد بیرون هیأت و مجسطی بدان توان رسیدن و غرض و مراد خویش از آنجا بحاصل گردانیدن و بیشترین سببی اندر جمع این کتاب آن بود که بیشتر تصنیفها که همی بینم آنست که حشواز نکت افزون است، و این از چند سبب همی افتد :

اولا - آنچه مؤلف دعوی آن کند که من چنان مشروح بگویم که از اصل با استاد حاجت نیاید ، و این مجال اندیشه بود ، چه بر همه حال تا نیا موزد ضبط معنی آن نتواند کردن .

دوم - آنک چون فصلی همی گوید علم خویش اندر آن میانه عرضه کند و پایه خویش بنماید بفزونی تا لاجرم خواننده و متعلم از بن بازماند و بدان نرسد .

سوم : آنچه هر نوعی از چند تصنیف باز دست همی آید و بسیار همی افتد که متعلمی فصلی داند و لکن بوقت حاجت نداند که آن هست یا نه ، اما شبیهت حاصل آید و اما بتکرار حاجت افتد . چهارم : آنک هر فصلی را چیزی برویندند از نامهای مخالف و رایبهای متفاوت و عملهای مشکل تادل نفور شود و طبع خستگی باود ، و اگر راه آسانی نمایند خود آن هیچ بکار نیاید . و از همه طرفه تر آنست که چون کتابی بیارسی کنند ، گویند از بهر آن بدین

بقیه حاشیه از صفحه قبل

عبارت نهادیم تا آنکس که تازی نداند بی بهره نماند ، پس سخنهایی همی گویند دری و بڑة مطلق که از تازی دشوار ترست و اگر بسخنهاى متداول گویند دانستن آسان تر بود و از همه گرانی حذر کرده . و عیبی ندانم که اندر تألیف سخن آراید ، پس اگر مقصود سخن دری است و او بود وای سبحان الله اندرین علم چه بکارست . چه بحقیقت آن وقت که نکت بر اختصار و عملهای آسان مفرد گردانند چندان حاصل آید که بهترین علمی و از علمهای شریف بیرون علم ادیان ، طبست و نجوم لکن اگر طبیبی سهوی کند ، اندر خون یکی شود ، و اگر این سهو بر منجم افتد هیچ زیان نیست و اندک این علم بامنفعت است و از اندکی آن کشتن و تباه گردانیدن است ، پس طریق و راه نمودن علم و عمل بر وجهی مختصر بر گرفتیم و لفظی مستعمل بکار آوردیم چه خود نامهایی همی آید که مستعمل شدست و طبع هر کس فرایند برفته چون وسط و مرکز و خاصه و تمذیل و اوج و ارتفاع و همچنین چون تشریح و تغریب و استقامت و رجعت و مانند این و چون ازین لفظها کرانه همی جستیم گرانی حاصل همی آمد و نیز بشرح حاجت می بود بل هر عبارتی از تازی که اندرین کتاب موجودست عامی امی معنی آن بینج روز بتواند دانستن و نیز آنکس که این قدر نداند اگر ازین علم شریف بی بهره ماند رواست و بیشتر عملها را مثال و میزان یاد کردم تا بر درستی عمل حجت بود و راه نمونی کند بآموختن و از بهر آن بلفظ پارسی کردم چه اندرین نوع بتازی بسیارست و منجم را بلغت تازی دانستن ، پس شغلی نیست و دانستم که اگر بیارسی نبودى بیشتر مردم را تمنا افتادی که بیارسی بایستی تا فایده بیشتر حاصل آمدی و اگر کسی نقل کردی این کتاب باطل شدی و چه صواب آن دیدم که هم برین گونه تمام گردانم و الله الممین .

(مقدمه روضة المنجمین که پس از مقابله نسخ خطی (کتابخانهای آقای سید جلال الدین طهرانی (رك : مجله ارمغان سال سیزدهم شماره ۴ ص ۲۵۷) ، ملی ملك شماره ۳۶۰۵ و شماره ۳۳۶۴ ، و دانشگاه استانبول شماره ۱۴۱۸) تصحیح شده است) .

ابوالحسن علی بن احمد نسوی - استاد شهردان بن ابی الخیر رازی ، علی بن احمد نسوی

بوده است (آ . ن . ك)

ابوالحسن علی بن احمد النسوی که از علماء قرن پنجم است و ویرا حکیم شهردان

بینه حاشیه از صفحه قبل

رازی استاد مختص نامیده ، در ریاضی دستی قوی داشته و از کتب مهمه وی یکی تحریر کتاب مأخوذات ارشمیدس است که ثابت بن قره آنرا ترجمه نموده و در تعلیمات ریاضی قدیم جزء کتب متوسطات بشمار میرفت که میان کتاب اصول هندسه اقلیدس و مجسطی بطلمیوس باید خوانده شود . (از ترجمه مأخوذات ارشمیدس بتفسیر ابوالحسن علی احمد النسوی نسخی موجود است (رك : فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران) ج ۲ ص ۱۱۵ ؛ و نزرک : کتابخانه خدیویه مصر ج ۵ ص ۲۰۲ و جز آن) . این ترجمه را خواجه نصیرالدین طوسی تحریر کرده و آن در مجموعه تحریرات وی (ج ۲ سال ۱۳۵۹) در حیدرآباد چاپ شده است . (تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تألیف آقای دکتر ذبیح الله صفا - ج ۱ ص ۷۵ و ۷۸ و ۳۴۹)

در درة الاخبار ولعة الانوار (چاپ تهران - ص ۶۹) چنین آمده است : «الاستاد العکیم المختص ابوعلی الحسین (کذا) (درست نیست، نامش علی [بن احمد] است و کنیتش ابوالحسن (رك : تمة صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۱۰۹)) النسوی .

از حکماء ری بوده است ، زیج فاخر از آن اوست ، و با وجود توفیر در اقسام علوم حکمی از هندسه حظی وافر داشت و نفس پاکش بکارم اخلاق متحلی بود .

و از سخنان اوست : آدمی بهمت بلند و عزیزت درست مقصود تواند یافت ، نه بکد و مشقت در کوشش «

(رسم الخطر ایشیوه نگارش امروز تغییر داده ایم)

در مقاله یانزدهم (در صورت کواکب) روضة المنجمین چنین آمده است : «خواجه ابوالحسین عبدالرحمن بن عمر صوفی [۱] لرازی [۱] (ابوالحسین عبدالرحمن بن عمر الصوفی الرازی (۲۹۱ - ۳۷۶) معلم عضد الدوله (مختصر الدوله ص ۳۰۴) و مؤلف کتاب صور الكواکب است که راجع بچهل و هشت صورت از صور فلك البروج نگارش یافته و بمضد الدوله تقدیم گردیده است .

این کتاب باسم «الصور السماویة» و «کواکب الثابتة» نیز مشهور و ترجمه فارسی آن موجود است . دیگر رساله بی راجع باصطراب . (تاریخ ادبیات در ایران تألیف آقای دکتر ذبیح الله صفا ج ۱ ص ۳۳۸))

بقیه حاشیه از صفحه قبل

کتابی کرده است بغایت نیکویی، در صورت ستارگان شناختن و طرز و عرض و جهت و جایگاه و قدر و عظم دانستن و استاد مختص علی بن احمد نسوی ادام الله نعمته (یا: رحمه الله) آنرا اختصاری کرده است از حد بیرون از بهر سید اجل مرتضی رضوان الله علیه که او یگانة روزگار بود و مرتضوی نام نهاده . . . » (از مقالات پانزدهم روضة المنجمین که پس از مقابله نسخ خطی (کتابخانهای آقای سید جلال الدین طهرانی (رك: گاهنامه سال ۱۳۱۱ ص ۱۲۶)، ملی ملک بشماره ۳۶۰۵ و بشماره ۳۳۶۴ و دانشگاه استانبول بشماره ۱۴۱۸) تصحیح شده است)

در کشف الظنون حاج خلیف (چاپ دوم ترکیه ج ۲ ستون ۱۹۳۱) چنین آمده است: « و قال علی بن احمد النسوی علم النجوم اربع طبقات الاولى معرفة رقم التقویم . . . » (آ. ن. ک)

« . . . در حدود سال ۴۲۰ کتابی در علم حساب بیاری نوشته و همان کتاب را بنام «المغنی فی الحساب الهندی» بزبان عربی در آورده و علاوه بر آن کتب دیگری نیز در علم ریاضی عربی نوشته است مانند کتاب الاشباع که ویدمن (Wiedemann) آنرا بآلمانی ترجمه کرد. (تاریخ ادبیات در ایران آقای دکتر ذبیح الله صفا تهران ۱۳۳۵ ج ۱ ص ۳۳۹) -

نسخه ای از «کتاب التجرید» او (در فن هندسه مشتمل بر شش مقاله) در رامپور موجود است (رك: فهرست کتب عربی کتابخانه رامپور - رامپور ۱۹۰۲ م. ص ۴۱۷ (تتمة صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۱۰۹ ح ۵)

شهر مردان بن ابی الخیر رازی در نزهت نامه علائی (مقاله هشتم، نوع ششم) چنین میگوید: «در حدیث سن مشغوف بودمی بر خواندن علوم ریاضیات و کتاب اقلیدس و حل اعمال زیج و فصول فرغانی در هیئت افلاک بر استاد مختص علی نسوی همی خواندم، یک روز کاغذی چند بمن داد و گفت در خاطر و فهم تو سرعتی وحدتی می بینم که با دیگری نیست، در این تأمل کن که از بهر دانستن تاریخ سال و روز ولادت از طالع مولود دور ساله ساخته ایم یکی بر زحل و دیگری بر مشتری، از آنج این هر دو بطیء السیر تراند، لیکن از بهر رجعت

بقیه حاشیه از صفحه قبل

واستقامت راست نمی آید، من در آن اندیشه کردم و دیگر روز گفتم مدت سال بقیاس از خداوند طالع بتوان دانستن بتفاوت يك دوروز و ماه بتقريب از تقويم شمس بدانند و اگر در سير زحل و مشتری رجعت و استقامت است، در جو زهر نیست و دوراو از آن مشتری سنگی تر و عمل آسانتر و آنست که وسط سال و ماه و روز آن تاریخ که خواهند از دوازده برج وضع کنند، تقویم جو زهر باز آید. همین عمل معکوس باید کردن و وسط از تقویم بدست باز آوردن و قوس بستن از جدول مجموعه و مبسوطه تا سال و ماه و روز پیدا آید، درین عجب ماند و گفت بدین آسانی نهاده بود، اما ندانستیم و بدو سطر راست همی آید این همه تطویل چیست...»

نسخ خطی روضة المنجمین

الف - آقای سید جلال الدین طهرانی در مجله ارمان (سال سیزدهم شماره ۴ ص ۲۵۷ نوشته اند: «کتابت نسخه اصلیه این کتاب (یعنی روضة المنجمین) که در حدود ۵۵۰۰ هجری نوشته شده است و نزد اینجانب است تمام بر رسم قدیم است یعنی ذالهای معجمه کلمات بصورت خود و جیمها بجای خود است...» («کی» بجای «که»، «انج» بجای «آنچه»، و «ذ» بجای «د» است)

نیز در گاهنامه سال ۱۳۱۱ (ص ۱۲۶ - ۱۲۷) نگاشته اند:

« این کتاب مدتی ملک ملامظفر منجم گنابندی بوده و بخط خود در ظهر کتاب نوشته است «کتاب روضة المنجمین من مستملکات العبد الاقل مظفر المنجم الجنابدی محل مهر (العبد مظفر منجم) ملامظفر در کتاب تشبیهات و بیست باب اغلب مینویسد که صاحب روضة المنجمین چنین گوید و در آخر کتاب تشبیهات در ذکر مأخذ کتاب خود مینویسد روضة المنجمین حکیم شهردان رازی»

ب - آقای سید حسن تقی زاده در « گاه شماری در ایران » (ص ۲۰ ح ۴۰) نگاشته اند: «... يك كتاب فارسی بی اسمی که در کتابخانه دولتی بران تحت

MS . orient . Quart . 848

علامت و نمره

محفوظ است و ظاهراً در حدود ۴۶۴ هجری تألیف شده (ورق اول و

بقته حاشیه از صفحه قبل

آخر و بسیاری از اوراق دیگر آن افتاده) مندرج است که خالی از فایده نیست»

نیز در گاه شماری (ص ۲۳۴ - ۲۳۵) نوشته اند: «کتاب بی اسم فارسی نسخه برلن اگرچه طالع مولودی از سنه خیب (۶۱۲) و یسکی دیگر از سنه ۶۳۴ دارد با احتمال قوی قدیمتر است و این ارقام باناشی از غلط کتاب و با الحاقی است چه علاوه بر آنکه مثال تطبیق تواریخ که میزند از سنه ۴۶۶ هجری و ۴۴۳ یزد گردی و «هزار و تیرست و هشتاد و پنج رومی» است از استاد مختص علی بن احمد نسوی ایدالله تأییده» (کذا) حرف میزند که دلیل بر حیات نسوی بوده و این منجم بقول سوتر در عهد مجدالدوله دیلمی بوده و بعد از آن پادشاه نیز حیات داشته است که مطابق نیمه اول قرن پنجم میشود. خط و املا و انشای کتاب نیز بسیار قدیمی است.

از عبارتی که در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (طهران سنه ۱۳۱۱) صفحه ۱۰۸ در شرح نسخه کتاب صورالکواکب عبدالرحمن صوفی بنقل از کتاب روضة المنجمین شهرمدان بن ابی الخیر رازی نقل شده و عیناً با عبارت کتاب بی اسم فارسی نسخه برلن که ماچند فقره از آن نقل کردیم مطابق است معلوم میشود نسخه برلن همان روضة المنجمین است»

ج - نسخه ای در کتابخانه ملی ملک (تهران) بشماره ۳۶۰۵ (روضه المنجم - تحریر در کهرام در ۶۱۰ ه قمری) محفوظ است

د - نسخه ای از ورق - b ۳۷۲ تا ۵۴۲ در مجموعه وسائل کتابخانه موزه بریتانیا (لندن) بشماره Add 27, 261 محفوظ است. این مجموعه مشتمل بر بیست و سه کتاب و رساله است.

نسخه روضة المنجمین بتوسط ناصر الکاتب تحریر شده است این مجموعه از ۸۱۳ تا ۸۱۴ هجری برای جلال الدین اسکندر بن عمر شیخ بن تیمور (متوفی ۸۱۷ ه) کتابت شده است (رك: فهرست نسخه های فارسی موزه بریتانیا ج ۲ ص ۸۶۸ - ۸۷۰).

بقیه حاشیه از صفحه قبل

Charles Rieu Catalogue of the Persian Manuscripts in the
British Museum - VoiII - London 1881 - pp . 868 - 870)

ه - نسخه ای در مجموعه کتابخانه دانشگاه استانبول بشماره ۱۴۱۸
محفوظ است . فیلمی از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بشماره ۲۵۴
موجود است .

این مجموعه شامل مؤلفات ذیل است : روضة المنجمین و زیج ایلخانی و در حاشیه آنها
۱ - احکام الاعوام . ۲ - احکام تحویل . ۳ - برهان الکفایة (یاد داشت آقای علینقی
منزوی) نسخه روضة المنجمین در ۸۱۳ هـ تحریر شده است (آ . ن . ک)
و - نسخه ای در کتابخانه ملی ملک (تهران) بشماره ۳۳۶۴ (روضة المنجمین - تحریر
در ۹۹۳ هـ قمری) محفوظ است

ز - از ورق ۷۷ b تا ۸۵ در مجموعه ای متعلق به کتابخانه موزه بریتانیا (لندن)
بشماره Add . 23 , 568 منتخبی بفارسی از روضة المنجمین موجود است .

این منتخب شامل مقالت پنجم روضة المنجمین در مسائل علل و اسباب است .

این مجموعه از سال ۸۸۹ تا ۸۹۴ هـ تحریر شده است

ح - از ورق ۳۶ b تا ۴۸ b در مجموعه ای متعلق به کتابخانه ملی ملک بشماره
۳۱۸۱ منتخبی بفارسی از روضة المنجمین موجود است . در مقدمه این منتخب چنین آمده
است : « . . . بر حسب خواهش این چند مقاله انتخاب افتاد از کتاب روضة المنجمین که
میان ارباب این صناعت از آن مشهورتر و معروف ترست که ذکر مصنف آن یاد کرده شود
از آن جمله مقاله مسائل فی العلل و الاسباب . . . »

« المسائل فی العلل و الاسباب » مقاله پنجم کتاب روضة المنجمین است .

این منتخب بتوسط حسین بنی معلم در ۹۳۱ تحریر شده است .

ط - نسخه ای از روضة المنجمین ناقص الاول در کتابخانه ملا فیروز (بمبئی) بشماره
ترتیب 39 - I موجود بود .

سبب مرگ او - در حالت او ذکر کرده اند که ترازوی ارشمیدس را که بمیزان غش و عیار معروف است ساخت و آنرا بسلطان اعظم (سنجر) تقدیم کرد، و سلطان بجازن خویش سعادت نام سپرد. خازن که در جواهرات خزانه سلطان تقلب کرده و خیانت بسیار از این راه نموده و از بازخواست سنجر اندیشه داشت، بتصور آنکه آن ترازو سبب کشف خیانت او گردیده و گرفتار خشم و عقوبت سلطانی خواهد شد آنرا خورد^۱ کرد و در زیر خاک نهان ساخت. ابوحاتم که آن خبر بشنید از آن رو که کرده خازن سلطان سبب شد که تمام زحمات چندین ساله اش یکباره از دست بشد، دلتنگ و غمین گردید و از آن اندوه رنجور و بیمار گشت، و در آن بیماری جهان را بدرود کرد^۲.

۱ - خرد (آقای دکتر محمد معین)

۲ - رك : لغت نامه مرحوم دهخدا : ابوحاتم مظفر اسفزاری (آ . ن . ك)

بقیه حاشیه از صفحه قبل

این نسخه در ۸۲۱ هـ تحریر شده است.

(رك : فهرست کتابخانه ملا فیروز تألیف رها تاسک - بمبئی ۱۸۷۳ ص ۲۲ - ۲۳)

E . REHATSEK - Catalogue Raisonné of the Arabic - Hindostani ' Persian and Turkish MSS in the MuIIa Firuz Library - Bombay 1873 - p . 22 - 23

۳ - حل الرموز السماریه . .

(با دداشت آقای سهیلی مدیر کتابخانه ملی ملک)

در نزهت نامه علائی چنین آمده است :

« رسالتی ساخته ام و آنرا حل الرموز السماویه اجل من الکنوز الدیناویه (کذا)

نام کرده و ده فصلست از یکی تانه در اعداد مادون العشره و اندر دهم از چند گونه بیاید متفاوت... »

(از انجام نزهت نامه علائی (گفتار در مردم و حال نفس) نسخه کتابخانه بودلیان)

(آ . ن . ك)

میزان ارشمیدس^۱ - در باب قصه میزان ارشمیدس که ابو حاتم ساخته است، خازنی معاصر او که در حدود (۵۱۵) کتاب معروف خود میزان الحکمه^۲ را تألیف کرده، چنین گوید: «ثم فی مدة الدولة القاهرة (۳) ثبتها الله نظر فیہ (۴) الامام ابو حفص عمر الخيامی وحقق القول فیہ وبرهن علی صحة رصده والعمل به لماء معین دون میزان معلم، وکان معاصره الامام ابو حاتم المظفر بن اسمعیل الاسفزاری ناظراً فیہ مدة أحسن نظر وتماملاً فی صنعته وتماماً فی حدته، وسعی فی تسهیل العمل به علی من أرادہ وزاد فیہ منقلبتین للتمییز بین جوهرین مختلفین، وأشار الی امکان وجود مراکز الفلزات علی عموده استقراءً ورسداً لماء معین الا انه لم یشر الی كمية ابعاده عن المحور اجزاءً وعدداً ولا الی شیء من اعمالها سوى شکل المیزان، وسماه میزان الحکمة، ومضى الی رحمة الله تعالی قبل اتمامه وتدوینته.»^۳

و در ترجمه همین کتاب میزان الحکمه عبدالرحمن خازنی در باب وضع ترازوی حکمت و جهت انتساب آن بارشمیدس و ذکر حکمای پیشین و متأخران که در آن سخن گفته اند، در فصل چهارم^۴ آن چنین آورده شده: «... و بعد از آن در این دولت

- ۱- عنوان را آقای دکتر محمد معین افزوده اند (آن.ک).
- ۲- نسخه ای بسیار نفیس از میزان الحکمه خازنی در مکتبه محمدیه (مسجد جامع بمبئی) محفوظ است. این نسخه بتوسط ابونصر احمد بن محمد الطرقي در ۵۸۵ هجری در بندرهمز تحریر شده است (رک: تنمة صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۱۶۱ ح ۱ و نیز رک: میزان الحکمة چاپ حیدرآباد دکن ص ۱۶۹) (آن.ک).
- ۳- میزان الحکمة چاپ حیدرآباد دکن ص ۸-۸-رک: حواشی و زیادات تنمة صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۲۰۳-۲۰۴. (آن.ک).
- ۴- آقای جلال همائی در مقدمه مصباح الهدایه تألیف عزالدین محمود بن علی کاشانی (چاپ تهران ص ۳-۴) (حاشیه) نوشته اند: «... در این کتاب (یعنی میزان الحکمة عبدالرحمن خازنی) مکرر از خیام و بعضی آثار او در علوم طبیعی نام می برد و مطالبی از روی نوشته های او نقل می کند از جمله در فصل چهارم راجع باصل وضع و اختراع میزان آبی برای تشخیص وزن مخصوص اجسام و اسامی مخترعان آن، پس از ذکر نام دانشمندی که در عهد غزنوی با اختراع این ترازو موفق شدند، مانند استاد ابوریحان بیرونی، بذکر اسامی مخترعان عهد سلجوقی می پردازد...» (تعلیقات چهارم مقاله ص ۳۰۰).

جرج سارتن در «مقدمه بر تاریخ علوم» (بالتیمور ۱۹۳۱ ج ۲ ص ۲۰۴ نوشته است
George Sarton-Introduction to the history of Science-Vol II-Bal-
timore 1931 p.204.)

که بقول خازنی، مظفر اسفزاری وزن مخصوص را مورد مطالعه قرار داده بود (آن.ک).

قاهره امام ابو حفص عمر الخيامی در آن نظر کرد و بردرستی آن برهان بیاورد و امام ابی المظفر (۹) اسفزاری مدتی در آن تأمل میکرد، و در آن معنی چند زیادات بیندیشید، و آن را میزان الحکمة نام کرد، و پیش از آنکه آنرا تمام [کند] و بیاض برد بجوار رحمت حق رفت تغمده الله بر حمته...»^۲

و در تذکرة النوادر، از خاتمه کتاب میزان الحکمة که ظاهراً از مؤلف دیگری غیر خازنی باشد در باب اقسام ترازوها و آلات آن عبارات ذیل نقل شده^۳ : « و تفصیل ما فی التصنیف من الآلات و الموازين المذکورة فی الكتاب عشرة اولها الساذج المشهور ذوالکفتین، و الثانی میزان الکالی^۴ ذو ثلاث کفات، و الثالث ذوالکفتین، و العلامت لارشمیدس. و الرابع ذوالشعیرات و الکفتین : احدهما سلسلة سیارة، و الثانیة ثابتة لمحمد بن زکریا الرازی، و الخامس الجامع ذو کفات للشیخ الامام ابی حاتم المظفر بن اسماعیل الاسفرائینی (کذا)، و السادس میزان الصرف^۵،...^۶، و الثامن القبان للمظفر و التاسع میزان الارض، و العاشر میزان الازمان و الساعات»

از آنچه از کتاب میزان الحکمة و ترجمه آن آورده شد، معلوم میگردد که غیر از ابوحاتم چند نفر دیگر از حکماء دیگر در ترازوی ارشمیدس و ساختن نوعی از آن اندیشهها کرده و هر یک بر آن چیزی افزوده و آنرا تکمیل کرده، و بعضی در آن باب رسائلی نیز پرداختند، و دیگر آنکه از اقسام ده گانه ترازوهائی که در کتاب میزان الحکمة ذکر شده سه یا چهار نوع آن نتیجه اندیشه و فکر ابوحاتم است، و از این رو میتوان دریافت که وی در این راه بیش از دیگران رنج کشیده، و چنانست که بعضی گفته‌اند «دوره زندگانی خود را در این راه صرف کرده است» و سدیدگر آنکه

۱- رک : حواشی و توضیحات قراضة طبیعیات بقلم آقای دکتر غلامحسین صدیقی.

ص ۱۷۵

۲- ترجمه میزان الحکمة عبدالرحمن خازنی، نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی (مشهد)

۳- تذکرة النوادر من المخطوطات العربية طبع حیدرآباد دکن (در ۱۳۵۰ ص ۱۶۶)

۴- کذا

۵- کذا

۶- نوع هفتم از کتاب تذکرة النوادر افتاده است.

ابوحاتم را نیز رساله‌ای بنام میزان الحکمة راجع بخصوصیات این ترازوبوده که قبل از رسیدن آن بییاض در گذشته است، و از کلام ابوالحسن بیهقی^۱ ظاهر است که ابوحاتم اصل ترازورا ساخته و آنرا کاملا پرداخته و بساطان اعظم یعنی سلطان سنجر تقدیم داشته است.^{۳۲}

آثار او - از آثار بسیاری که بدو نسبت داده‌اند بغیر دو رساله مختصر^۴ چیزی بجا نیست، و همه آنها در اثر حوادث نابود شده، بدین جهت شهرت و آوازه‌ای که او را در روزگار خویش بود، کم کم از میان رفته و مقام علمی او در پس پرده‌های فراموشی مانده بنابراین بچگونگی احوال و مقام علمی او جز از روی گفته دیگران پی نتوان برد، و او را چنانکه بوده نمیتوان شناخت ابوالحسن بیهقی درباره مقام و مرتبه او در تسمه صوان الحکمة گوید «او را مرتبه بلند و ارجمندی در علوم بوده و با امام عمر خیام مناظرات و مباحثاتی داشته، ولیکن مرتبه خیام از او برتر بوده است»^۵ چنانکه گفته شد ویرا تألیفهای بسیاری در بیشتر علوم بویژه در فنون ریاضی و آثار علوی و جرائع و فن حیل و حرکات کواکب بوده^۶ که همه از بین رفته، و از آنها جز دو رساله که در زیر نام آنها برده شده فعلا در کتابخانه‌هایی که فهرست آنها منتشر میباشد، نسخه دیگری موجود نیست:

۱- رك : ۱۷۰ مقاله حاضر

۲- رك : مقاله ثانی میزان الحکمة (ص ۳۸ بعد) در مقدمات مرکز ثقلها و صنعت قبان مظفر اسفزاری؛ و نیز رك : مقاله پنجم (ص ۹۳ بعد) همان کتاب در صنعت میزان الحکمة و ترکیب آن و امتحان کردن آن و تعریف آن، در ساختن اعضای آن بنا بر آنچه که مظفر بن اسماعیل اسفزاری به آن اشاره کرده است- رك : دائرة المعارف اسلام ذیل کلمه المیزان بقلم ا. ویدمان.

۳- تسمه صوان الحکمة صفحه ۱۲ (چاپ لاهور)

۴- آثار دیگری از ابوحاتم مظفر اسفزاری موجود است که پس ازین معرفی میکنیم

(آ.ن.ك.)

۵- رك : ص ۱۷۰ مقاله حاضر

۶- رك : لغت نامه مرحوم دهخدا : ابوحاتم مظفر اسفزاری (آ.ن.ك.)

- ۱- اختصار اصول اقلیدس که نسخه از آن در پیرس^۱ موجود است.^۲
- ۲- رساله آثار علوی یا کائنات جو که آنرا بنام فخرالملک بن نظامالملک^۳ پیش از سال ۵۰۰ هجری تألیف کرده است. این رساله که مؤلف آن مسائل دقیق علمی را بزبان ساده پارسی با بیانی جزل و شیوا و با بهترین اسلوب نگارش، جمع و تألیف کرده از نمونه های خوب زبان فارسی است و با ترقیات شگرفی که بزمان ما در علوم و فنون طبیعی حاصل شده چنانکه علوم طبیعی امروز را نتوان باطبیعات پیشین قیاس کرد، و با آنکه در اثر تکمیلی که در علوم پدید گشته اختلاف آنها بسیار شده، باز در پاره ای از مسائل این فن و آنچه در این رساله آمده است می بینیم که در آن تغییری راه نیافته و نتیجه افکار علماء امروزه تقریباً همانست که

۱- پاریس

۲- حواشی تمة صوان الحکمة (چاپ لاهور ص ۱۱۹)

۳- مظفر فخرالملک بن نظامالملک طوسی که بعضی باشتباه نام او را علی نوشته اند [معشی تمة صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۱۱۹ ح - (آقای دکتر محمد معین) مدتی منصب حاجبی بر کیارق بن ملک شاه داشت و در سال ۴۸۸ بجای برادرش مؤیدالملک بن نظامالملک بوزارت بر کیارق معین شد؛ پس از فوت بر کیارق بنشاور آمد و سلطان سنجر وزارت خویش بدو داد و در ایام وزارت در... سال ۵۰۰ هجری بدست باطنیها کشته شد.

۴- در مقدمه نسخه خطی «آثار علوی» مرحوم دهخدا چنین آمده است: «... میان اقران خویش منظور شوند تدبیرش آن بود که از خلاصه معلومات اختیاری کند و از ثمرات معقولات خود مثالی سازد چنانکه بصناعات منسوب بود و بقدر توان خویش اندر آن تکلف کند و مر آن را تحفه سازد و عرضه کند بر مجلس عالی مولانا نظامالدین فخرالملک ابوالفتح مظفر بن قوامالدین مخلص امیر المؤمنین که همیشه ملجأ و ملاذ فاضلان و پشت و پناه عالمان باد و از خدای تعالی استخاره خواهد وقت قصد کردن بدان مجلس...» (رساله آثار علوی یا کائنات جو بتصحیح آقای مدرس رضوی ص ۱۱۹)

۵- آقای دکتر ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران (ج ۲ ص ۳۰۹) نوشته اند: «ریاضیون و منجمان [از میانه قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم] در دستگاه امرا و رجال اهمیت وافر خود را هنوز از دست نداده بودند... بعضی از مؤلفین ریاضی این عهد آثار مشهور خود را بزبان پارسی نوشته اند و این از اختصاصات این دوره است که تألیفات کتب بزبان پارسی در علوم مختلف متداول و معمول گردید» (آ.ن.ک.)

بوده، و جز در بعضی جزئیات تفاتی در آنها نیست...»^۱

رساله مذکور را آقای مدرس رضوی تصحیح و در تهران سال ۱۳۱۹ منتشر کرده‌اند.

الف - شهردان بن ابی‌الخیر رازی تمام این رساله را با حذف مقدمه در نزهت-نامه علائی وارد کرده است

ب - قاضی زین‌الدین عمر بن سهلان ساوی^۲ در «الرسالة السنجرية فی

۱- در اینجا آقای مدرس شرحی راجع باین رساله و توجه دانشمندان بدان و نسخ خطی آن آورده‌اند. نمونه‌ای از این رساله در صفحات ۶-۱۱ تعلیقات چهارم مقاله آمده (آقای دکتر محمد معین)

۲- آقای دکتر محمد معین در الهیات دانشنامه علائی (تهران ۱۳۳۱ شمسی ص ۱۰۳-۱۰۴) نگاشته‌اند: «قاضی زین‌الدین عمر بن سهلان ساوی (ساوجی) - حکیم ایرانی قرن ششم و معاصر سلطان سنجر (۵۱۲-۵۴۸ قمری) است (فهرست نسخ فارسی موزه بریتانیا، ریو- ج ۲ ص ۴۳۹ ستون ۲) مواد او ساوه بود و وی چندی بدانجا شغل قضا می‌ورزید و چون کتابخانه او بساوه بسوخت وی بنیسا بور هجرت کرد و باستنساخ کتاب «شفا»ی ابن سینا معاش می‌گذاشت و از آن کتاب سالی یک نسخه میکرد و بصد دینار می‌فروخت. از تصنیفات او «بصائر النصیریه» است در منطق که بنام نصیرالدین ابوالقاسم محمود بن مظفر وزیر سلطان سنجر کرده است (رك: لفت‌نامه مرحوم دهخدا: ابن سهلان) کتاب «بصائر النصیریه» باعنوان عیسی افندی معلوف و جرجی یک‌صفا با نسخه‌ای قدیم مقابل شد ولی فقط نصف آن تصحیح گردید و در مطبعه عثمانیه لبنان سال ۱۸۹۱ م. بطبع رسید، و بار دیگر کتاب مزبور در بولاق بسالهای ۱۳۱۶-۱۷ هجری قمری با تعلیقات شیخ محمد عبده چاپ شد (معجم المطبوعات ج ۱ ستون ۱۲۳).

مجموعه‌ای در موزه بریتانیا بشماره Add. 16.659 بنام «شرح رساله المر موزة السماعة برسالة الطیر للشیخ الرئیس» موجود است که شارح آن بنام «الشیخ الفاضل عمر بن سهلان الساوجی» یاد شده (رك: فهرست نسخ فارسی موزه بریتانیا- ریو- ج ۲ ص ۳۳۹) که بی‌شک مراد ابن سهلان مذکور است. نسخه‌ای از همین «شرح رساله الطیر» در کتابخانه مجلس شورای ملی بشماره قفسه ۳۱۵ (از کتب تنکابنی [مرحوم میرزا طاهر]) و شماره ثبت (دفتر) ۲۵۸۰۱ موجود است. آقای دکتر مهدی بیانی مدیر کتابخانه ملی تهران نسخه‌ای از این کتاب دارند که در سال ۶۷۹ نوشته شده و بنا برین اقدم نسخ مذکور است (الهیات دانشنامه علائی تصنیف ابوعلی سینا با مقدمه و حواشی و تصحیح آقای دکتر

الكائنات العنصرية» نوشته است: «... پس از این رساله نوزدهم است، آثار علوی، نام آن رساله سنجریه (کذا) فی الكائنات العنصریه... . خواجه مظفر اسفزاری که درین روزگار بودست درینچ ما سخن میگوئیم رساله کرده است بیارسی و او هم چنین مردی بودست که از هندسه بهره داشته است و در علمهای دیگر اتقانی نداشته است. خویشان را پیش اهل تحقیق بدین رسالت برهنه کردست و برشمردن خللهاء که در آنجاست دراز بود، لکن بیک دو چیز اشارتی رود تا معلوم شود که این سخن از سر شفقت می رود بر علم نه از روی صلف...»^۱

ج - نظامی عروضی سمرقندی در کتاب چهار مقاله چنین گوید :

بقیه از صفحه قبل

محمد معین - تهران ۱۳۳۱ شمسی ص ۱۰۳ - بد

دو منطق بنام «دانشنامه علائی» یا «رساله الاملائی» در دستت و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های استانبول محفوظست بنشانیهای ذیل: احمد ۳۴۴۷/۸۱؛ ایاصوفیه ۲۵۳۰ و ۲۵۳۱ و ۴۸۲۹/۱۷؛ حمدیه ۱۴۴۸/۴؛ نورعثمانیه ۲۷۴۸/۱. یک نسخه ازین رساله هم در کتابخانه مجلس شورای ملی بشماره ۱۰۸ (فهرست کتب خطی ج ۲ - تهران ۱۳۱۱ ص ۵۴) و شماره ثبت دفتر ۱۴۲۲ موجود است. درین نسخه رساله منطق مورد بحث با ترجمه فارسی الهیات و طبیعیات کتاب اشارات (ابوعلی) در یک مجلد گرد آمده... (مقدمه الهیات ص ز-ح)

بنابر آنچه گفته شد، ابن سهلان حکیم و نویسنده است که کتابی بنام «بصائر» در منطق دارد، و خود او بآثار ابن سینا توجه خاص مبذول میداشته، از استنساخ «شفا»ی او روزگار میگذرانیده، و رساله الطیر او را شرح کرده است. (آقای دکتر یحیی مهدوی در نامه مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۵۲ از پاریس به آقای دکتر محمد معین چنین نوشته‌اند: «مطابق منطق بملط موسوم به دانشنامه، با بصائر حدس اینجانب را (در انتساب با ابن سهلان) قویاً تأیید کرده است») که بعدها آنرا با «دانشنامه» ابن سینا خلط کرده «دانشنامه علائی» و «رساله الاملائی» نامیده‌اند (مقدمه الهیات ص یدیه). آقای دانش پژوه مشغول تصحیح منطق فارسی ابن سهلان هستند.

۱ - رساله نوزدهم (ورق ۲۰۲) از مجموعه رسائلی که در کتابخانه فاتح (استانبول) بشماره ۵۴۲۶ محفوظ است. این نسخه خطی در قرن هشتم کتابت شده است. (عکسی از این مجموعه نزد آقای مجتبی مینوی موجود است و با استجازه از ایشان یک ورق استنساخ شد. موجب نهایت امتنان است) نسخه دیگری از رساله السنجریه فی الكائنات العنصریه نزد آقای بیلکه در استانبول موجود است (از افادات شفاهی آقای مجتبی مینوی)

« چون آثار این کواکب در اقطار این عناصر تأثیر کرد و از آن نقطه موهوم منعکس گشت، از میان خاک و آب بمعونت باد و آتش این جمادات پدید آمد چون : کوهها و کانهها و ابر و برف و رعد و برق و کواکب منقذه و ذوالذوآبه و نیازک و عصی و هاله و حریق و صاعقه و زلزله و عیون گوناگون، چنانکه در « آثار علوی » این را شرحی بمقام خود داده شده است، و در این مختصر نه جای شرح و بسط آن بود. »^۱

در تعلیقات چهارمقاله^۲ چنین آمده : « لفظ نظامی عروضی » چنانکه در آثار علوی این را شرحی بمقام خود داده شده است» باید اشاره این کتاب^۳ بوده باشد و عروضی یا آن را در دست داشته است و با همین زهد نامه را که عین متن کتاب اسفزاری را نقل کرده بوده. »

۵ - محمد بن مسعود المسعودی^۴ در فصل دوم مقدمه « رساله در معرفت عناصر و کائنات الجوّ » آورده است : « .. خواجه امام مظفر اسفزاری را که در این علم

۱- چهارمقاله نظامی عروضی بکوشش آقای دکتر محمد معین. چاپ کتابفروشی زوار- تهران ۱۳۳۳-۵ ص ۹.

۲- رك : مقاله آقای سدون در مجله انجمن همایونی آسیائی منطبه لندن در سال ۱۹۳۳ ص ۶۸۷-۶۹۰

C.N.Seddon's article in the Journal of the Royal Asiatic Society (London) 1933 pp 687-690.

(از یادداشت‌های آقای مجتبی مینوی) (رك : تعلیقات چهارمقاله ص ۹)

۳- رساله آثار علوی اسفزاری (آن.ك.)

۴- در دیباچه « رساله در معرفت عناصر و کائنات الجوّ » مصنف « محمد بن مسعود المسعودی » ذکر شده است. (رك : اورینتل کالج میگزین لاهور ماه مه سال ۱۹۲۸ م. دوره چهارم شماره ۳) شماره سلسله ۱۲۳-۳۶

۵- رساله در معرفت عناصر و کائنات الجوّ شامل دیباچه‌ای از مصنف و مقدمه (در چهار فصل) و سیزده باب است. نسخه‌ای از این رساله در مجموعه‌ای مشتمل بر پانزده رساله بنام « جواهر الحکمة » در کتابخانه کپورتله موجود است (رك : اورینتل کالج میگزین لاهور، ماه اوت سال ۱۹۲۷ م. شماره سلسله ۱۰) ص ۲.

نسخه دیگری از این رساله در کتابخانه حاج شیخ علی اکبر نهاوندی در مشهد موجود است. این نسخه در ۱۱۳۳ تحریر شده. (رك : الذریعة تألیف آقای محمد محسن معروف به شیخ آغا بزرگ طهرانی- تهران ۱۳۴۱ ه قمری ج ۱ ص ۸-۹)

ریاضی در روزگار خویش بی نظیر و مشارالیه بوده همین تصور افتاده بوده است تادر آثار علوی که بنام وزیر فخر المملک تصنیف کرده باین معنی تصریح کرده است: «^۱ مسعودی در باب هفتم آن رساله، در سبب پدید آمدن قوس قزح، چنین نوشته است: «وفاضل ترین متأخران خواجه ابوعلی بن عبدالله سینا در بعضی از کتب خویش چنین می گوید که سبب اختلاف الوان اورا چنانکه می باید مرا معلوم نگشته است، اما بعضی محصلان تکلفی کرده اند و چیزی گفته و خواجه امام مظفر اسفزاری آنرا مشخص کرده است و در آثار علوی خویش آورده و بر آن مزیدی نیست همچنان نقل کردم در این مختصر، و او سه مقدمه آورده است...»^۲

ه - غیاث الدین علی بن علی امیران الحسینی الاصفهانی در دانشنامه جهان^۳

۱- اورینتل کالج میگزین لاهور، ماه مه سال ۱۹۲۸ م. ص ۴۲ (رك : تنمة صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۱۱۹ ح ۸)

۲- اورینتل کالج میگزین لاهور، ماه مه سال ۱۹۲۸ م. ص ۶۲

۳- «دانشنامه جهان» کتابی در حکمت طبیعی است تألیف «غیاث الدین علی بن علی امیران الحسینی الاصفهانی» در ۸۷۹ هجری، بنام سلطان محمود بن ابوسمیدین محمد بن جلال الدین میرانشاه بن امیر تیمور (سلطان محمود از سنه ۸۶۴ هـ حاکم کرگان و مازندران بود و در ۸۹۹ هـ در ماوراءالنهر بیادشاهی نشست- وفاتش در سنه ۹۰۰ هـ است) (رك : طبقات سلاطین اسلام تألیف ستانلی لین پول

(S. Lane-Poole—Muhammadan Dynasties—London 1893 and 1925)

ترجمه مرحوم عباس اقبال (تهران ۱۳۱۲ ص مقابل ۲۳۸) و تاریخ مختصر ایران تألیف باول هرن (ترجمه باحواشی و تعلیقات آقای دکتر رضا زاده شفق-تهران ۱۳۱۴ هـ شمسی ص ۱۲۹) و نیز معجم الانساب (ترجمه عربی کتاب زامباور ص ۴۰۱-۴۰۲)

Manuel de Genealogie et de Chronologie par E. D. Zambaur Hanovre 1927 (آن.ک)

این کتاب مشتمل است برده فصل و بیست اصل و چهار نتیجه و خاتمه و یکدوره علوم طبیعی را به داز شرح مبدأ خلقت عقل و نفس بمذاق مشائیان شرح داده و بسیار موجز و ساده و آسان و استادانه تحریر شده است و از قسمتهای طبیعی «گوهر مراد» تألیف لاهیجی روان تر و فصیحتر است... این کتاب عزیز الوجود در اصل بنیاد از حیث سادگی و ایجاز بشیوه متقدمان است، اما از حیث افهام مطلب و روشنگری و سهولت بیان در عالم خود تازه و از ایجازهای منحل و رمزها و تعقید که از مختصات کتب علمی قدیمست خالی میباشد. و نیز اصلاحاتی از نثر

بقیه در صفحه بعد

(مؤلف بسال ۸۷۹ هجری قمری^۱) درباب قوس قزح نگاشته است: «... و تحقیق این بیان موقوف است بردانستن سبب این سد چیز که دروی معتبر شده: اول - آنکه عکس آفتاب بچه سبب برین ابر تنک شفاف می افتد؛ دوم - آنکه اختلاف رنگهای او بچه سبب است؛ سیوم - آنکه بچه سبب مثل کمان و پارچه از دایره می نماید و مینمای این برسه مقدمه است:

مقدمه اول و دوم از حکیم مظفر اسفزا [ری]^۲ منقول است و مقدمه سیوم از شیخ ابوعلی و امام فخر رازی و دیگر متأخران...»^۳

بقیه از صفحه قبل

معاصر در آن یافت میشود...» (از سبک شناسی مرحوم محمد تقی بهار (ملك الشعراء) ج ۳ ص ۲۲۲) (آ.ن.ک.)

نسخ خطی دانشنامه جهان:

۱- نسخه متعلق به کتابخانه ملی ملک بشماره ۴۵۱۶
مؤلف «غیاث الدین علی بن علی امیران الحسنی الاصفهانی» ذکر شده است. این نسخه ناقص در ۵۸۸۴ تحریر شده است.

۲- نسخه متعلق به کتابخانه ملا فیروز بشماره ۸. در ۹۰۸۵ تحریر شده است.

(رك: فهرست کتابخانه ملا فیروز تألیف زهاتسک- بمبئی ۱۸۷۳ ص ۱۱۸)

۳- نسخه متعلق به کتابخانه دیوان هند (لندن) بشماره ترتیب ۲۱۷۳ بتوسط غلام

احمد در ۱۰۷۷۵ تحریر شده است. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مؤلف «غیاث الدین علی بن امیران الحسنی الاصفهانی» ذکر شده است.

این نسخه بجای ده فصل، دارای یازده فصل است.

(رك: فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه دیوان هند- اکسفورد ۱۹۰۳ ج ۱ ستون

۱۱۸۶-۱۱۸۷)

H Ethe-Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of the India Office-Vol.I.Oxford 1903-1186,1187 N. 2173)

۴- نسخه دیگری متعلق به کتابخانه دیوان هند (لندن) بشماره ترتیب ۲۱۷۴ در

شاه جهان آباد در ۱۱۵۳۵ تحریر شده است.

(رك: فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه دیوان هند- ج ۱ ستون ۱۱۸۷)

۵- نسخه دیگری متعلق به کتابخانه ملا فیروز بشماره ۷

در ۱۱۵۶۵ تحریر شده است

بقیه در صفحه بعد

و - در رساله‌ای بنام «شناخت کائنات جو»^۱ که مؤلف آن شناخته‌نشده ولیکن از اینکه مقدمه آن بنام شاه‌عباس اول^۲ آراسته شده معلوم است که از فضلاء متأخر و

۱- رساله در شناخت کائنات جو و طبقات هوا و خاک (از ورق b ۲۰ تا b ۲۸)، در مجموعه‌ای مشتمل بر بیست و سه کتاب و رساله موجود است.

این مجموعه در کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران) محفوظ است - شماره (ثبت) دفتر ۶۷۷۵ و شماره ۶۲۱ در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (ج ۲ ص ۳۷۴) ثبت است (آن.ک)

۲- در نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی چنین آمده است: «... شاه‌عباس صفوی بهادرخان...» (آن.ک)

بقیه حاشیه از صفحه قبل

نام کتاب «دانش‌نامه جهان‌نما» یاد شده است و مؤلف «عناّب (صاحب‌غیاث) الدین محمد حسینی اصفهانی» ذکر شده.

در فهرست کتابخانه ملافیروز چنین آمده است که مؤلف در عهد سلطنت «سلطان محمود گورکان» زندگی می‌کرد.

(رک: فهرست کتابخانه ملافیروز تألیف رها تسک، ص ۱۱۷)

۶- نسخه متعلق بموزه بریتانیا (لندن) بشماره Add 16'829

تاریخ تحریر ندارد و ظاهراً در حدود قرن هجدهم میلادی کتابت شده و مؤلف «غیاث‌الدین علی‌الحسینی اصفهانی» ذکر شده است. این نسخه از ششمین صفحه نتیجه اول بیعت ناقص است.

در نسخ متعلق بموزه بریتانیا بشماره Or 1839 (در ورق ۲۶۷) و Or 1947 (در

ورق ۳۷) منتخبی و فهرستی از این کتاب موجود است. در آنها مؤلف «غیاث‌الدین علی‌بن علی‌میران‌الهمدانی اصفهانی» ذکر شده.

(رک: فهرست ریو ج ۲ ص ۴۳۹-۴۴۰)

۷- نسخه دیگری متعلق به کتابخانه ملی ملک بشماره ۳۵۲۰

مؤلف «غیاث‌الدین علی‌بن امران (کذا) الحسینی اصفهانی» ذکر شده است. این نسخه ناقص ظاهراً در قرن دوازدهم کتابت شده (رک: فهرست خطی نسخ خطی کتابخانه ملی ملک)

۸- نسخه متعلق به کتابخانه مرحوم علامه دهخدا بشماره ثبت ۸۲۶

مصنف «غیاث‌الدین علی‌بن علی‌میران‌الهمدانی اصفهانی» ذکر شده است - بتوسط عبدالرزاق باخط نسخ در ۱۳۱۳ هـ تحریر شده.

۹- نسخه دیگری متعلق به کتابخانه مرحوم علامه دهخدا بشماره ثبت ۸۳۵

مؤلف «غیاث‌الدین علی‌بن علی‌میران‌الهمدانی اصفهانی» ذکر شده است. با خط بقیه حاشیه در صفحه بعد

همزمان آن سلطنت است. در این رساله که در فن آثار علوی ساخته شده اعتراضاتی را که یکی از دانشمندان پیشین در کتاب خود بر ابو حاتم وارد آورده نقل کرده و

بقیه حاشیه از صفحه قبل

شکسته نستعلیق تحریر شده. نسخه ناقص است و تاریخ کتابت ندارد.

۱۰- نسخه متعلق به کتابخانه آستانه قدس رضوی (مشهد) بشماره ترتیب ۵۶۳

(وقفی نائینی «۵۱۵») - در این نسخه مؤلف کتاب را بسططان محمود بهادرخان

اهداء نموده .

در فهرست کتابخانه رضوی مؤلف «غیاث الدین علی بن علی امیران حسینی» یا حسینی

ذکر شده.

(رك : فهرست کتابخانه آستانه قدس رضوی - مشهد ۱۳۲۵ ج ۴ ص ۹۸)

در «الذریعة» تألیف آقای شیخ آغا بزرگ طهرانی (- تهران ۱۳۲۹ شمسی ج ۸

ص ۴۶) مؤلف «غیاث الدین علی - یا محمد غیاث الدین بن علی امیران الاصفهانی» ذکر شده است.

۱۱- نسخه دیگری متعلق به کتابخانه آستانه قدس رضوی بشماره ترتیب ۵۶۴

(وقفی نائینی «۵۱۶»)

(رك : فهرست کتابخانه آستانه قدس رضوی - مشهد ج ۴ ص ۹۸)

۱۲- نسخه متعلق به کتابخانه بران بشماره 826 Sprenger

(شماره ترتیب ۳۵۳) مؤلف «غیاث الدین علی بن علی عمران الحسینی الاصفهانی»

ذکر شده است.

Cf W. Pertsch - Die Handschriften-Verzeichnisse der Königlichen Bibliothek zu Berlin - Vierter Band. Verzeichniss der Persischen Handschriften (Berlin 1888. s. 372-374-N. 353)

۱۳- نسخه متعلق به کتابخانه بودلیان اکتفورد بشماره ترتیب ۱۴۵۶ (Fraser 166) -

تاریخ تحریر ندارد.

مؤلف «غیاث الدین علی بن علی امیران الحسینی الاصفهانی» ذکر شده است

(رك : فهرست اته ستون ۸۹۱-۸۹۲)

Ed. Sachau and H. Ethé - Catalogue of the Persian, Turkish, Hindûstâni and Pushtû manuscripts in the Bodleian Library - Oxford 1889 - 891-892)

۱۴- نسخه متعلق به کتابخانه بنگال بشماره H3 (شماره ترتیب ۱۳۶۳)

مؤلف «علی بن علی امیران حسینی اصفهانی» ذکر شده است.

مصنف در این نسخه کتاب را به ابوالفتح سلطان محمود اهداء نموده (رك : ورق ۳)

بقیه حاشیه در صفحه بعد

بجواب يك يك ميپر دازد. از آنجاست: «وبعضی از فضلا [در] رساله که در این باب نوشته اند مقالدهای ایراد کرده اند نقلش مناسب نمود بخار بحقیقت همه آبست و بسیار کسان پنداشته اند که نه آبست و نه هوا بلکه واسط^۲ است میان آب و هوا از حد آبی گذشته و بحد هوایی نرسیده و خواهجه مظفر شیرازی^۳ [را] که در علم ریاضی در روزگار خود

۱- در نسخه کتابخانه مجلس «مقاله» آمده است (آن.ک)

۲- در مقدمه رساله آثار علوی یا کائنات جو اسفزاری بقلم آقای مدرس رضوی (صید) «واسطه» آمده است - در جای دیگر از نسخه کتابخانه مجلس (ورق ۲۲ مجموعه شماره ۶۲۱) چنین آمده:

«... ممکن است که مراد خواهجه مظفر مذکور از اینکه گفته بخار واسطه است میان

آب و هوا...» (آن.ک)

۳- کذا

بقیه حاشیه از نسخه قبل

(رک: فهرست نسخه های خطی فارسی (انجمن آسیاتی بنگال) تألیف آقای ولادیمیر

ایوانف، کلکته ۱۹۲۴ ص ۶۵۲

W. Ivanow-Concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the (old) Collection of the Asiatic Society of Bengal-Calcutta 1924, p.652, N0 1363).

دانشنامه جهان در لوهارو (هندوستان) در ۱۲۹۱ هـ بچاپ رسید

و مصنف چنین ذکر شده است: «شیخ بوعلی ثانی، مولانا محمد غیاث الدین علی ابن الامیران الحسنی». در دیباچه این نسخه چاپی (ص ۸) مؤلف کتاب را بجای سلطان محمود به ابوالفتح سلطان محمد اهداء نموده.

غیر از دانشنامه جهان آثار غیاث الدین علی بن علی حسینی اصفهانی شامل مؤلفات

ذیل است:

۱- ذرة المساحة -

کتابیست در ریاضیات که در ۸۹۰ هجری بنام ابوالفتح سلطان محمود غازی تألیف شده. این تصنیف دارای مقدمه و چهارمقاله و خاتمه میباشد. نسخه ای از ذرة المساحة که در ۹۵۳ هجری کتابت شده در کتابخانه بنگال بشماره I368 محفوظ است.

(Cf W. Ivanow Concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the Curzon Collection of the Asiatic Society of Bengal. Calcutta 1926-p 397-398-N0 572)

بقیه حاشیه در صفحه بعد

بی نظیر بوده همین تصور افتاده است تا در آثار علوی که بنام فخرالملک وزیر تصنیف کرده است، باین معنی تصریح کرده و گفته است که بخار متوسطت^۱ میان جوهر آب و جوهر هوا و آن سهویست که بر آن بزرگ رفته است^۲

۱- در نسخه کتابخانه مجلس «متوسطت» آمده است (بدون نقطه نون).

در مقدمه رساله آثار علوی یا کائنات جو اسفزاری بقلم آقای مدرس رضوی (ص ید) «متوسط است» آمده و این مطابق است بانسخ خطی «آثار علوی» کتابخانه‌های بوداییان، گونا، ملی ملک (بشماره ۸۶۵) و مجلس شورای ملی. (آن.ک)

۲- نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی (ورق b ۲۱ مجموعه) (آن.ک)

رک: مقدمه رساله آثار علوی یا کائنات جو اسفزاری بقلم آقای مدرس رضوی

ص ید.

بقیه حاشیه از صفحه قبل

۲- اسرار الحروف

نسخه‌ای از اسرار الحروف در مجموعه‌ای متعلق به کتابخانه کمبریج بشماره ۱۳۳ موجود است.

مؤلف «غیاث‌الدین علی بن علی امیران‌الجیشنی الاصفهانی» ذکر شده است. این کتاب بنام ابوبکر پسر ابوسعید میرزا گرگانی که برادر سلطان محمود بوده است، در ۸۷۰ هـ تألیف شده (از حدود ۸۶۵ تا ۸۸۸ هـ ابوبکر حاکم بدخشان بود) (رک: طبقات سلاطین اسلام تألیف ستانلی لین بول، ترجمه مرحوم عباس اقبال - مقابل صفحه ۲۳۸) (رک: فهرست نسخ فارسی کتابخانه کمبریج تألیف ادوار براون)

E. G. Browne. A Catalogue of the Persian Manuscripts in the Library of the University of Cambridge - Cambridge 1896 pp. 218-220 No CXXXiii2)

رک: مقدمه الهیات دانشنامه علامی بقلم آقای دکتر محمد معین ص ۵۰ و ص ۵۱

ح ۳-۵

و نیز رک: مقاله «سال‌تالیف دانشنامه جهان» بقلم آقای ولادیمبرایوف در مجله

انجمن همایونی آسیائی، لندن ۱۹۲۷ م. ص ۹۵-۹۶

۱- در نسخه چاپی دانش‌نامه جهان ص ۲۷۸ چنین آمده است: «... این کتاب دانش

نامه برین دصیت ختم شد از شهر سنه تسع و سبعین و ثمان مایه»

۲- در نسخ: اسفرا بیمنی یا اسفرا بینی یا اسفرا بی انی آمده است

۳- از اصل شانزدهم دانشنامه جهان که پس از مقابله نسخه چاپی (اوهارو- ۱۲۹۱ هـ

ص ۶۹) بانسخ خطی کتابخانه‌های مرحوم علامه دهخدا بشماره ثبت ۸۱۶ و ۸۳۵ و ملی ملک

بشماره ۳۵۲۰ و نقل آقای مدرس رضوی از نسخه خطی آستان قدس رضوی مشهد (رک:

مقدمه رساله آثار علوی یا کائنات جو اسفزاری ص-ج) تصحیح شده است (آن.ک).

وبعد مؤلف «شناخت کائنات جو» در مقام جواب این اعتراض و ایرادهای دیگری که بر ابوحاتم کرده بر آمده...^۱

۳- علاوه بر دو رساله که آقای مدرس رضوی نقل کرده‌اند، آثار دیگری از ابوحاتم مظفر اسفزاری موجود است از جمله: «رسالة الشبكة».

این رساله از نوادر مؤلفات پیشینیان است و بزبان فارسی اواخر قرن پنجم هجری نوشته شده است.

رسالة الشبكة که برای سلطان برکیارق^۲ بن ملکشاه نگاشته شده، نشان میدهد تاچه حدی ابوحاتم در طبیعیات و علم النبات افکار درستی داشته است.

در فصل اول این رساله، ابوحاتم قولی از «قسطوس»^۳ رومی خداوند برزگر نامه نقل میکند.

درباره این کتاب آقای دکتر ذبیح‌الله صفا، استاد دانشگاه تهران، در تاریخ علوم

۱- مقدمه رساله آثار علوی اسفزاری بقلم آقای مدرس رضوی ص ۵۰.

۲- رکن‌الدین ابوالمظفر برکیارق پنجمین پادشاه از سلسله سلجوقیان است که مدت ملکش از ۴۸۶ تا ۴۹۸ هجری بوده است.

در چهارمقاله (مصحح مرحوم قزوینی - چاپ لندن - نسخه دانشکده ادبیات تهران رک: تملیقات چهارمقاله ص ۱۱۶) و همچنین در یادداشت‌های قزوینی (بکوشش آقای ایرج افشار تهران ۱۳۳۶ ج ۳ ص ۱۵۲) از روی گزیده (تاریخ گزیده، تألیف حمدالله بن ابی بکر بن نصر مستوفی در سنه ۷۳۰ هـ چاپ لندن) سال ۴۸۶ هجری ابتدای سلطنت برکیارق است.

در تاریخ ایران تألیف ژنرال سرپرسی سایکس (Sir Percy Sykes) ترجمه آقای سید محمد تقی فخر داعی گیلانی (تهران ۱۳۳۰ ج ۲ ص ۵۴) آمده است که برکیارق دو سال بعد از فوت ملک‌شاه (متوفی ۴۸۵) در بغداد رسماً معرفی گردید. همچنین در طبقات سلاطین اسلام تألیف ستانلی لین بول (ترجمه مرحوم عباس اقبال. ص ۱۳۵) و در تاریخ مختصر ایران تألیف پاول هرن (ترجمه باحواشی و تملیقات آقای دکتر رضازاده شفق ص ۱۲۵) و نیز در معجم الانساب (ترجمه عربی کتاب زامباور ص ۲۳۳)، جلوس برکیارق ۴۸۷ هـ است.

۳- نسخه M: قسطوس آمده.

عقلی در تمدن اسلامی^۱ چنین نوشته‌اند: «سرجس^۲ بن هلیا^۳ الرومی را در شمار مترجمان نیاورده‌ایم و از شرح احوال او اطلاعی در دست نداریم. ذکر وی در کشف الظنون آمده و ترجمه کتاب الفلاحة الرومیه بدو نسبت داده شده است.

حاجی خلیفه میگوید: «کتاب الفلاحة الرومیه تألیف حکیم قسطوس بن اسکوزا سکینه، ترجمه سرجس بن هلیا الرومی از رومی (یعنی زبان لاتینی) بعربی، مشتمل بر دوازده باب است و آنرا قسطابن لوقا البعلبکی^۴ واسطاط^۵ و ابوزکریا یحیی بن عدی^۶

۱- رک : تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ج ۱ ص ۳۶۴-۳۶۵ .

۲- Sergius

۳- Elia

۴- قسطابن لوقا البعلبکی - ابن الندیم او را در ردیف حنین بن اسحق قرار داده و حتی بر او برتری نهاده و گفته است : «واجب بود که ذکر او بسبب فضل و بلندی جاه و تقدم وی در صناعت طب بر حنین مقدم داشته آید لیکن بعض دوستان از من خواسته است که حنین را بر او مقدم دارم و این مرد مورد فاضل اند» (الفهرست چاپ مصر ص ۴۱۰) . وی در غالب علوم و از آنجمله در طب و فلسفه و هندسه و حساب و نجوم و موسیقی بر اعراب داشت و در زبان یونانی فصیح بود و عربی را نیکو مینوشت و زبان سریانی را خوب میدانست. اصلش از نصارای شام و از شهر مشهور بعلبک بود. دیرگاهی در بغداد بسر برد و در آخر عمر نزدیکی از ملوک ارمنستان میگذراند و آنجا نیز بترجمه و تألیف اشتغال داشت تا درگذشت. بروایت القفطی قسطا در ایام بنی العباس ببلاد روم رفت و بسیاری از کتب آنرا بدست آورد و بشام سفر کرد و سپس بعراق خوانده شد تا بنقل آن کتب بعربی مبادرت کند و او معاشر یعقوب بن اسحق کندی بود. قسطا عده‌یی از کتب طبی و فلسفی و ریاضی و فلکی یونانی را بعربی ترجمه کرد و چون در نقل امین و زبردست بود، ترجمه‌های وی مورد اعتماد قرار گرفت و علاوه بر این بسیاری از ترجمه‌های مترجمان را نیز تصحیح و اصلاح میکرد و از خصائص او آن بود که در عین ایراد معانی کثیر در اختصار الفاظ بسیار میکوشید. وی علاوه بر ترجمه‌ها و تفسیرها و شروح خود تألیفاتش در ابواب مختلف خاصه طب داشت ... (تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۷۱-۷۲)

۵- اسطاط - از ناقلان متوسط و از معاصران حنین بن اسحق و یعقوب بن اسحق الکندی بود که قسمتی از الهیات ارسطو را بتفسیر الاسکندر الافرو دسی برای وی بعربی نقل کرد. دیگر از ترجمه‌های وی کتاب الحقن سورانوس (سورانوس، سورانس Soranus d'Éphèse) طبیب معروف قرن دوم میلادی معروف به Soranus le Jeune که از تألیفات او کتاب *Traité des fractures* باقی مانده است) است که حنین آنرا اصلاح

بقیه حاشیه در صفحه بعد

نیز ترجمه کرده‌اند و ترجمه سر جس کاملتر و بهتر از ترجمه‌های دیگر بود. این کتاب بفارسی ترجمه شده و ایرانیان آنرا پورنامه (ظ: ورزنامه) خواندند و یکی از مترجمان آنرا از فارسی عبری در آورد لیکن در این کار از عهده لوازم ترتیب و کمال بر نیامده است^۱

از این کتاب الفلاحة الرومیه در آثار منقول قسطا و یحیی بن عدی خبری نیست و ترجمه حال سر جس هم بدست نیامد لیکن از این کتاب الفلاحة نسخی در دست است از آنجمله در موزه بریتانیا بنام کتاب فلاحه الرومیه از قسطوس بن لوقا الرومی^۲ و در

۱- کشف الظنون چاپ ترکیه ج ۲ ستون ۱۴۴۷

۲- فهرست کتب عربی موزه بریتانیا، لندن ۱۸۹۴، ج ۱ ستون ۴۶۴

A. G. ELLIS. Catalogue of Arabic Books in the British Museum. Vol. I London 1894)

کتاب «الفلاحة ایونانیه تألیف قسطوس بن لوقا الرومی ترجمه سر جس بن هلیا الرومی» در ۱۲۹۳ هجری قمری در قاهره بچاپ رسید.

بقیه حاشیه از صفحه قبل

کرد و دیگر ترجمه کتاب الکون والفساد ارسطو بتفسیر الامفیدورس عبری. (رجوع شود به تاریخ حکماء ص ۳۱۳۰. الفهرست ص ۳۴۱ و ۳۵۲ و ۴۰۸. عیون الانباء فی طبقات الاطباء ج ۱ ص ۲۰۴) (تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۸۰، نیز رک: ص ۳۵۷ و ۹۶)

۶- ابوزکریا یحیی بن عدی بن حمید بن زکریاء التکریتی المنطقی - از مشاهیر منطقیین قرن چهارم هجری و از شاگردان مشهور ابو بشر متی بن یونس و ابو نصر الفارابی و بر مذهب نصاری معتقد بود. از خصائص ابن دانشمند کثرت استنساخ کتب بود که در شبانه روز بصدورقه بالغ میشد و او دوبار تفسیر طبری را استنساخ کرد. از جمله ترجمه‌های وی یکی کتاب مابعد الطبیعه از ثاودرسطس است و دیگر آثار العلویه ارسطو بتفسیر اسکندر افرودیسی از سریانی عبری و نقل یا اصلاح شرح تامسطیوس بر کتاب السماء و العالم و اصلاح ترجمه ابوروح الصابی از تفسیر اسکندر افرودیسی بر مقاله اول از کتاب السماع الطبیعی ارسطو و ترجمه طویقا از سریانی عبری (متن سریانی آن از اسحق بن حنین بوده است)

یحیی خود نیز کتب و مقالاتی در منطق و فلسفه و طب داشت. وفاتش در ذی القعدة سال ۳۶۴ هجری اتفاق افتاد (رجوع شود به: اخبار حکماء ص ۲۳۶-۲۳۸. عیون الانباء ص ۲۳۵. الفهرست ص ۳۶۹ و از ص ۳۴۴ ببیند) (تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۸۳-۸۴)

نسخه کتابخانه برلین (بشماره 6204.Lbg291) چنین معرفی شده است: « هذه نسخة كتاب ما وضع فسطوس بن اسكوراسكتيه (اسكوراستيكه) عالم الروم الذي كان يسمى فلسوفة (كذا) فيما وصف ومالا يستغنى الزراعون وغيرهم من الناس [عند] ثم علمه فيما ينفعهم الله به في معاشهم ويسمى هذا الكتاب بالفارسية برزنامه وتفسير برزنامه كتاب الزرع وهوانعشر جزء^١... نسخه بی از این کتاب در کتابخانه ولی الدین بشماره ۲۵۳۰ موجود است و در سال ۱۲۹۳ (۱۸۷۶ میلادی) در قاهره بچاپ رسید.»
در تاریخ ادبیات عربی بر کلمن^۲ چنین آمده است: «در ۱۷۹۵/۵۷۹۵ م، اسطاط عیسوی، با همکاری بطریک پولیتیانوس اسکندری^۳ که بعداً جانشین او شد، «ژئوپونیکا»^۴ کلسیانوس باسوس سکولاستیکوس^۵ را برای یحیی بن خالد برمکی ترجمه کرده است. نسخه ای خطی از این ترجمه بشماره Sbath 1200^۶ موجود است.^۷

در لاروس قرن بیستم^۸ شرح حال کلسیانوس باسوس چنین است: «نویسنده یونانی قرن دهم^۹ میلادی مجموعه های منتخبات مؤلفین یونانی و لاتینی بنام «ژئوپونیکا»^{۱۰} را که درباره فلاحت میباشد باو نسبت میدهند.»

۱- cf. Die Handschriften-Verzeichnisse der Königlichen Bibliothek zu Berlin. Siebzehnter Band-Verzeichniss der Arabischen Handschriften von WAHLWARDT. Fünfter Band. Berlin 1893 s. 484.

در این فهرست چنین آمده است که کتاب الفلاحة رافسطوس بن اسكوراسكتيه (ورق b ۱) (در ورق a ۱۳ و b ۱۲۰ اسکوراستيكه) برای پسرش فاسوس (ورق b ۲۰) (در ورق b ۴۹: باسیس) تألیف کرده است.

۲- تاریخ ادبیات عرب تألیف بر کلمن ج ۱ ذیل - ص ۳۶۴

۳- C. BROCKELMANN-Geschichte der Arabischen Litteratur-Erster Supplement band. Leiden 1937. s. 364.

۴- Eustathius

۵- Patriarche politianus d'Alexandrie

۶- Geoponika

۷- Cassianus Bassus Scholastikos

۸- cf. Bibliothèque de Mss-Paul Sbath-Le Caire 1928

۹- cf. Bull. de l'Inst. d' Eg. XIII 1931, 47-54

۱۰- لاروس قرن بیستم در شش مجلد LAROUSSE du xxe Siècle en 6 volumes

۱۱- کذا

۱۲- Géoponiques

در دائرةالمعارف بريتانيا^۱ (چاپ چهاردهم) چنین آمده است: «باسوس، کاسیانوس، که بنام سکولاستیکوس میباشد، یکی از مؤلفین کشاورزیست که در قرن ششم یا در آغاز قرن هفتم (میلادی) زندگی میکرده. او مجموعه‌ای از نوشته‌هایی در باره امور کشاورزی^۲ فراهم کرده است که بعداً توسط شخصی ناشناس مورد مطالعه قرار گرفته و در حدود سال ۹۵۰ (میلادی) در دوره سلطنت کنستانتین پورفیروژنیتوس^۳، منتشر گردیده، و این کتاب به شخص نامبرده تقدیم شده است. این کتاب حاوی فهرستی از منابعی است که مورد استفاده قرار گرفته و درباره موضوعهایی از قبیل کشاورزی، پرندگان، زنبور عسل، اسبها، اغنام و احشام؛... سگها و غیره میباشد.»^۴

در دائرةالمعارف پاولیس^۵ چنین آمده است:

«کاسیانوس باسوس سکولاستیکوس در قرن ششم (میلادی) میزیسته و آثارش بتوسط سرگیوس^۶ که دوست مورخ یونانی آگاتیاس^۷ بود، بفارسی ترجمه شد. کنستانتینوس پورفیروژنیتوس^۸ هفتم از او نام برده و اشتباهاً او را مؤلف «ژئوپونیکا» دانسته است، و نوشته‌هایی درباره کشاورزی که یکی تصنیف ویندانیوس^۹ آناطولیوس و دیگری تالیف دیدیموس^{۱۰} است و هر دو از قرن چهارم و پنجم (میلادی)

۱ - The Encyclopaedia Britannica

۲ - Geoponica

۳ - Constantine Porphyrogenitus

۴ - ماخذ: ODER-Rheinisches Museum XLV(1890), XLVIII(1893)

De RAYNAL-Annuaire de 'Assoc. Pour l'Encouragement des Etudes grecques, VIII (1874)

۵ - ستوت ۱۶۶۷-۱۶۶۸ در:

PAULYS-Real-Encyclopädie der Classischen Altertums wissen-schaft, Dritter Band, Stuttgart 1899

۶ - Sergios

۷ - Agathias

۸ - Constantinos Porphyrogennetos

۹ - Vindanios Anatolios

۱۰ - Didymos

میباشند؛ بنام پسرش باسوس^۱ منتشر کرده است^۲.

۴- منتخبی را که ابو حاتم مظفر بن اسمعیل اسفزاری از کتاب الحیل فراهم آورده، موجود است^۳.

دانشمند محترم آقای جلال الدین همائی در کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم^۴ ابوالریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی نگاشته‌اند:

«بنی موسی بن شا کر یعنی سه برادر احمد و حسن و محمد بن موسی بن شا کر صاحب کتاب الحیل که در نجوم و ریاضی استادان ماهر بودند. وفات محمد بن موسی در ربیع الاول سال ۲۵۹ هـ = ۸۷۳ م اتفاق افتاد (الفهرست ابن الندیم و ابن خلکان) بنی موسی بعد از مأمون هم خودشان در سنه ۲۴۶ هجری رصدی در سرمن رأی بنیاد کردند و در آنوقت بواسطه تجارب فراوان کارهاشان پخته‌تر و استوارتر از دوره مأمون بود. استاد ما ابوریحان بدانشمندی و حداقت این خانواده و برصدهای آنها اعتقادی بسزا داشته است...»

آقای دکتر ذبیح الله صفا در تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی^۵ نوشته‌اند:

«بنی موسی بن شا کر منجم - یا بنی منجم... پدر آنان موسی بن شا کر بنا بر قول قفطی در علم هندسه استاد بود^۶ و بنا بر قولی دیگر که هم قفطی نقل کرده است^۷ در

۱- Bassus

۲- ماخذ:

W. GEMOLL-Berliner Studien I (1884)

Untersuchungen über die Quellen, den Verfasser und die Abfassungszeit der Geoponica.

E ODER-Rheinisches Museum XLV s. 212.

KRUMBACHER-Geschichte der bizantinischen litteratur, s. 67

(یادداشت آقای پروفسور ر- گیرشمن R. GHIRSHMAN)

۳- تاریخ ادبیات عرب بر کلمن ج ۱ ذیل- ص ۳۸۲

۴- چاپ تهران ۱۳۱۶- ص ۱۶۱ ج ۳

۵- ج ۱ ص ۴۶-۴۷

۶- اخبار الحکما ص ۲۰۸

۷- ایضاً ص ۲۸۶-۲۸۷

بادی امر از راهزنان خراسان بود و از این طریق مالی عظیم گرد آورد و در پایان عمر توبه کرد. هنگام مرگ از سه یسر صغیر باقی ماند که مأمون آنرا باسحق بن ابراهیم المصعبی سپرد و با یحیی بن ابی منصور در بیت الحکمه مستقر ساخت و آنان در علوم شهرت یافتند - از این پسران بزرگتر و جلیل تر از همه ابو جعفر محمد (متوفی بسال ۲۵۹) بود که در هندسه و نجوم اطلاع بسیار و بمقالات اقلیدس و المجسطی آشنایی داشت و کتب نجوم و هندسه و عدد و منطق را گرد میآورد. وی از بزرگان در گاه و از قواد بود تا آنکه ترکان بر دولت بنی عباس غلبه یافتند و دولت اهل خراسان از میان رفت. محمد منزلاتی عظیم و مالی فراوان کسب کرد چنانکه مجموع عاید او در سال از در گاه خلافت و فارس و دمشق و غیره در حدود چهارصد هزار دینار بود و عواید برادر او احمد در حدود هفتاد هزار دینار. احمد از برادر خود محمد در علم فروتر بود مگر در علم حیل. اما سومین آنان حسن در علم هندسه منفرد و در آن صاحب طبع و ذوقی عجیب بود چنانکه بسیاری از مسائل را که قدما متوجه نشده بودند کشف کرد. بنی موسی علاوه بر آنکه شخصاً در علوم مهارت و اطلاع بسیار داشتند بترجمه و نقل علوم عبری و قراءت کتب منقول نیز اقبال و توجه بسیار نشان میدادند و از ثروت فراوان خود در بذل اموال برای تهیه کتب و ترجمه آنها استفاده فراوان کردند. این برادران گروهی از مترجمان و ناقلان و از آن جمله حنین بن اسحق را بیلاذ روم گسیل داشتند تا کتب یونانی را از آنجا بیفداد آوردند و آنان طرائف کتب یونانی را در فلسفه و هندسه و موسیقی و ارثماطیقی (حساب) و طب از آن بلاد بیاوردند. بنی منجم جماعتی از ناقلان و از آن جمله حنین بن اسحق و حبیش بن الحسن و ثابت بن قره و غیر آنان را مالی کثیر برای ترجمه می دادند و مجموع این مخارج در ماه به ۵۰۰ دینار میرسید - مراد بنی موسی از این کار آن بود که از مجموع اطلاعات علمی یونانیان بخوبی آگاهی یابند و بر اثر همین مطالعات و تحقیقات کتب متعددی در هندسه و علم حیل و حرکات و موسیقی و نجوم تألیف کردند که شرح آنها در کتب

علما و حکما آمده است^۱

۵- بر کلمن از مقدمه فی المساحه (نسخه استانبول^۲) ذکر کرده است.^۳

نسخ خطی آثار او

۱- اختصار اصول اقلیدس .

نسخه عربی «المقالة الرابعة عشر من اختصار الامام المظفر الاسفزاری لاصول اقلیدس»^۴، از ورق b ۹ تا b ۱۰، در مجموعه‌ای متعلق به کتابخانه ملی پاریس بشماره ۲۴۵۸ ضبط است.

این مجموعه خطی را يك هندسه‌دان برای خود در سال ۵۳۹ هجری نگاشته است و دارای شکلهای هندسی متعدد است که با دقت رسم شده است. تعداد اوراق مجموعه ۳۲- طول ۲۷ و عرض $\frac{۱۶}{۲}$ سانتیمتر - در هر صفحه ۳۰ تا ۳۷ سطر. این اختصار اصول اقلیدس تألیف امام مظفر اسفزاری دارای ۱۱ قضیه میباشد و با چهاردهمین مقاله (یا کتاب) اقلیدس (که شامل فقط ۷ قضیه است) و با تصنیف ابقلاوس^۵ مطابق است.

۱- رجوع شود به اخبار الحکماء قفطی ص ۲۰۸ و ۲۸۶-۲۸۷ و الفهرست ابن الندیم ص ۳۳۹-۳۴۰ و ص ۳۷۸-۳۷۹ (آینای دکتر صفا)- نیز رك : تاریخ ادبیات عرب بر کلمن- لیدن ۱۹۴۳ ج ۱ ص ۲۴۱ و ذیل ج ۱ ص ۳۸۲-۳۸۳ (آ. بن. ك)
۲- (Krause 3, 2708, 1310, cf. Deifteri K. Iāleli; Stambul No 268)

۳- رك : تاریخ ادبیات عرب بر کلمن- ج ۱ ذیل ص ۸۵۶

۴- Eukleides (Euclide)

۵- رك : فهرست نسخ خطی عربی کتابخانه ملی پاریس تألیف بارون دوسلان

ص ۴۳۴

۶- Hypsiclès ریاضی‌دان یونانی مقیم اسکندریه بود که در قرن دوم پیش از میلاد زندگی میکرد- در غالب نسخه‌های خطی، دو کتاب راجع بکثیرالسطوح‌های منتظم که چهارده و پانزدهمین قسمت اصول اقلیدس را تشکیل میدهند باو نسبت داده‌اند- از وی نیز رساله مختصری در نجوم بجای مانده است که بوسیله منتل (Mentel) پزشک فرانسوی بعنوان: *Anaphoricus sive De ascensionibus* در ۱۶۵۷ میلادی به لاتین ترجمه شده است-
بقیه حاشیه در صفحه بعد

سدیو^۱ قسمتی از نسخه اسفزاری را بزبان فرانسه ترجمه کرده و آن را در کتاب نظرات و منتخبات نسخ خطی کتابخانه پادشاهی پاریس^۲ منتشر ساخته است - این ترجمه مشتمل است بر اصل قضا یا بدون اثبات^۳.

۲- آثار علوی

الف- از ورق a ۱۲۸ تا b ۱۴۰ در نسخه کتاب نزهت نامه علائی متعلق به کتابخانه بودلیان اکسفورد بشماره ۱۴۸۰ (Ouseley 362) شماره اوراق نزهت نامه ۱۷۲، طول $\frac{۱۲}{۸}$ و عرض ۸ اینچ - در هر صفحه ۲۳ سطر - بتوسط عبدالواسع الساجی باخط نسخ در ۷۰۴ هجری تحریر شده است^۴.

ب - از ورق a ۱۲۹ تا a ۱۴۰ در نسخه نزهت نامه علائی متعلق به کتابخانه گرتا (آلمان) بشماره ۱۰.

شماره اوراق نزهت نامه ۱۶۸، طول $\frac{۲۹}{۱}$ و عرض ۱۹ سانتیمتر - در هر صفحه ۲۱ -

۱- L.A. Sédillot

۲- رك : نظرات و منتخبات نسخ خطی کتابخانه پادشاهی پاریس... چاپ پاریس

۱۸۳۸ ج ۱۳ ص ۱۴۶-۱۴۸

(Notices et Extraits des Manuscrits de la Bibliothèque du Roi et autres bibliothèques publiés par l'Institut Royal de France. Tome XIII. Paris 1838 pp. 146-148)

۳- رك : کتاب ریاضیون و منجین عرب تألیف سوتر - ص ۱۱۴ و نیز رك : مقدمه

بر تاریخ علوم تألیف جرج سارتن ج ۲ ص ۲۰۴

۴- رك : فهرست اته - اکسفورد ۱۸۸۹ م. ستون ۹۰۶-۹۰۸

بقیه حاشیه از نسخه قبل

این اثر اولین کتابی است که از حساب ستینی (sexagésimale) اطلاعی بدست میدهد

(رك : لاروس قرن بیستم درشش مجلد)

ابن الندیم کتابهای : الاجرام والابعاد، المطالع واصلاح کتاب چهارم و پنجم از

اصول اقلیدس را بوی نسبت میدهد.

(رك : تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تألیف آقای دکتر ذبیح الله صفا ج ۱ ص ۱۰۶)

سطر با خط نسخ نوشته شده است - تاریخ تحریر ندارد.^۱

ج - از ورق b ۱۳۵ تا a ۱۳۹ در نسخه نزهت نامه علائی متعلق به کتابخانه ملی ملک (تهران) بشماره ۸۶۵ شمارة اوراق نزهت نامه ۱۵۷، طول ۲۴/۸ و عرض ۱۷/۵ سانتیمتر - در هر صفحه ۲۱ سطر - با خط نسخ نوشته شده - تاریخ تحریر ندارد. و ظاهراً در حدود قرن هشتم کتابت شده است.^۲ رساله آثار علوی این نسخه ناقص است.

د - از ورق a ۱۵۲ تا a ۱۶۷ در نسخه نزهت نامه علائی متعلق (به کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران) - شماره (ثبت) دفتر ۹۰۴۲ و شماره قفسه ۲۲ و بشماره ۷۸۴ در فهرست کتب خطی مجلس شورای ملی ثبت است.^۳

شماره اوراق نزهت نامه ۱۸۷، طول ۲۴ و عرض ۱۴ سانتیمتر در هر صفحه ۱۹ سطر - با خط نستعلیق نوشته شده - تاریخ تحریر ندارد و ظاهراً در حوالی قرن دهم هجری کتابت شده است.^۴

رساله آثار علوی این نسخه ناقص است.

ه - از صفحه ۱۹۱ تا ۲۱۶ در نسخه نزهت نامه علائی متعلق به کتابخانه ملی ملک بشماره ۸۵۹

شماره صفحات نزهت نامه ۲۷۰، طول ۲۶/۳ و عرض ۱۸ سانتیمتر. در هر صفحه

۱ - ef. Die Persischen Handschriften der Herzoglichen Bibliothek zu Gotha verzeichnet von Dr Wilhelm PERTCH - Wien 1859. s. 30. sq.

اکنون این نسخه در کتابخانه Landesbibliothek Gotha محفوظ است.

۲ - نظر آقای سهیلی مدیر کتابخانه ملی ملک .

۳ - رک : فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی تألیف آقای یوسف اعتصامی ج ۲

ص ۴۹۰-۴۹۲

۴ - رک : مقدمه «احوال و اشعار ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی» بقلم

آقای سعید نفیسی تهران ۱۳۰۹ ج ۱ ص ۲۸

۱۹ سطر - باخط نستعلیق در سنه ۱۲۲۳ هـ قمری تحریر شده.

و - از ورق b ۱۳۵ تا b ۱۵۰ در مجموعه‌ای متعلق به کتابخانه انجمن آسیایی بنگال بشماره ۱۳۵۸.

این مجموعه دارای قسمتی از نزهت نامه علائی است.

طول ۲۰ و عرض ۱۳/۵ سانتیمتر. در هر صفحه ۱۶-۲۰ سطر. با خطهای نستعلیق هندی مختلفی تحریر شده. تاریخ تحریر ندارد، ظاهراً در اواخر قرن یازدهم یا آغاز قرن دوازدهم هجری کتابت شده است.

ز - نسخه متعلق به کتابخانه مرحوم علامه علی اکبر دهخدا نسخه مستقلی از آثار علوی است بدلیل آنکه:

۱- دارای قسمتی از مقدمه ابوحاتم مظفر اسفزاری است در صورتیکه رساله آثار علوی که بنقل شهردان بن ابی الخیر رازی در نزهت نامه علائی میباشد مقدمه مذکور را فاقد است.

۱- نسخه ناقصی از نزهت نامه علائی که در ۸۰۷ هجری تحریر شده، نزد مرحوم دکتر کازی وود (Dr Casey A. WOOD) بوده است.

(رك : مقاله «فرح نامه جمالی» بقلم آقای و- ابوانف در مجله انجمن همایونی آسیایی لندن ۱۹۲۹ ص ۸۶۳-۸۶۸)
این نسخه در کتابخانه حیوان شناسی بلاکر دانشگاه مک گیل مونترال (کانادا) (Blacker Library of Zoology-McGill University, Montreal) محفوظ است

(cf. An Introduction to the Literature of Vertebrate Zoology, compiled and edited by Dr Casey A. Wood and published by the Oxford University Press, London 1931)

نسخه ناقص دیگری از نزهت نامه علائی در کتابخانه ملی اطریش در وین (Die Osterreichische National Bibliothek) بشماره ۱۴۴۹ محفوظ است - در این نسخه رساله آثار علوی موجود نیست

(cf. Die Arabischen, Persischen und Türkischen Handschriften der Kaiserlich - Königlichen Hofbibliothek zu WIEN vom Gustav FLUGEL, Wien 1865, ii s. 517)

۲- رك : فهرست نسخه‌های خطی فارسی (انجمن آسیایی بنگال)
تألیف آقای ولادیمیر ابوانف، کلکنه ۱۹۲۴ ص ۶۵۰-۶۵۱

- ۲- حاشیه شهرمدان در باب صاعقه‌ای که در کاشان بسال ۴۷۷ (یا ۴۷۵) روی داده در آن دیده نمیشود. این نسخه بخط نسخ نوشته شده^۱.
- ح - نسخه متعلق به کتابخانه آستانه قدس رضوی (مشهد) بشماره ترتیب ۹۲۶ (وقفی نائینی «۵۹۸۰») طول ۴۳ و عرض ۲۶ سانتیمتر.
- خط نستعلیق که بطور چلیپا در هر صفحه سه ستون نگاشته شده. فصول و عناوین بشنجرف نوشته شده - دارای ۳ برگ و مجدول بتحریر و طلابش جدول^۲ نسخه ناقص است و تاریخ تحریر ندارد.
- این نسخه چون از روی نزهت نامه علائی استنساخ شده فاقد مقدمه است که در نسخه اصل موجود بوده و نیز حاشیه شهرمدان را در باب صاعقه‌ای که بسال ۴۷۷ (یا ۴۷۵) در کاشان رخ داده است، ندارد.^۳
- ط - از ص ۷۰ تا ۷۳ (کتابچه سیزدهم) در مجموعه‌ای متعلق به کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار بشماره ۲۹۱۱ - طول جلد ۳۲ و عرض ۲۱ سانتیمتر.
- باخط نستعلیق در اجمیر بسال ۱۰۹۲ هـ نوشته شده. نسخه ناقص است^۴ در تمام خصوصیات از نداشتن مقدمه و فهرست فصول و اسقاط قسمتی از ابواب و فصول و غیره همانند نسخه آستانه قدس رضوی است.^۵
-
- ۱- این رساله ضمیمه نسخه دیگری در معرفه الاحجار و الاجواهر (شماره ۶-۷ قفسه ۴۴۴ متفرقه - یادداشت آقای حسن ره آورد) همراه بوده است.
- رک : «رسالة آثار علوی یا کائنات جو» مقدمه مصحح ص یز
- ۲- رک : فهرست کتابخانه آستانه قدس رضوی مشهد ۱۳۲۵ ج ۴ ص ۲۱۸
- ۳- رک : رساله آثار علوی یا کائنات جو اسفزاری، مقدمه مصحح ص به
- ۴- این مجموعه مشتمل بر هفتاد و یک رساله و فائده ادبی و ریاضی و فلسفی است. عنوانها شنگرف - ۲۸۶ ص شماره دارد ۱۴۶ برگ ۳۷ سطری غیر از حاشیه - اندازه سطر ۲۳۱۱۱۲ متن با حاشیه ۲۷۱۱۱۴/۵ - کاغذ : اصفهانی نخدی - جلد تیماج خنایی مقوایی ساده. مالک محمدحسینی الموسوی در ۱۲۴۰ هـ ؛ و اعتضادالسلطنه در ۱۲۹۷ هـ ؛ و مدرسه عالی سپهسالار در ۱۲۹۷ هـ ؛ (یادداشت آقای علینقی منزوی)
- ۵- رک : رساله آثار علوی یا کائنات جو اسفزاری، مقدمه مصحح ص به - بو

۳- رساله الشبکه

مجموعه‌ای خطی در کتابخانه ملی ملک بشماره ۳۱۸۳ محفوظ است. شماره اوراق ۳۵ - طول ۱۸۳ و عرض ۱۰۳ سانتیمتر - این مجموعه شامل رسایل ذیل است :

الف - از ورق ۱ a تا ۲ b فصلی از جاماسب نامه حکیم است - در هر صفحه

- ۱ - نسخ خطی فارسی جاماسب نامه : میان نسخ این کتاب اختلافاتی موجود است .
 ۱ - نسخه متعلق به کتابخانه ملی پاریس بشماره ترتیب ۹۰۸ . در ۷۴۱ هـ تحریر شده است - در ورق ۱۴ a چنین آمده است : «باب آغاز کتاب حکیم جاماسب»
 (رك : فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس تألیف بلوشه پاریس ۱۹۱۲ ج ۲ ص ۱۵۳-۱۵۴)

E BLOCHET-Catalogue des Manuscrits persans de la Bibliothèque Nationale-Tome deuxième-paris 1912. pp. 153-154)

- ۲ - نسخه متعلق بموزه بریتانیا (لندن) بشماره Add. 7714 - تاریخ تحریر ندارد و ظاهراً در حدود قرن پانزدهم میلادی کتابت شده است - نام تصنیف «کتاب جاماسب فی طوابع الانبیاء» یاد شده است.
 این کتاب منسوب است به حکیم جاماسب.

(رك : فهرست ریو ج ۲ ص ۴۶۱)

- ۳ - نسخه ای در کتابخانه ملی پاریس بشماره ترتیب ۲۱۰ موجود است. تاریخ تحریر ندارد و ظاهراً در قرن هجدهم میلادی کتابت شده.
 در این نسخه نام کتاب «احکام جاماسب» و «فرمانات جاماسب» یاد شده است.
 (رك : فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس تألیف بلوشه - پاریس ۱۹۰۵ ج ۱ ص ۱۷۶)

- ۴ - از ورق ۱ b تا ۴۱ در مجموعه متعلق به کتابخانه ملی ملک بشماره ۹۰۸ - بتوسط سید حسین الحسینی در ۱۲۴۶ هجری تحریر شده.

- ۵ - نسخه متعلق به کتابخانه ملی ملک بشماره ۱۱۴۱ - در ۱۲۹۳ هـ تحریر شده.
 ۶ - نسخه متعلق به کتابخانه مجلس شورای ملی - شماره (ثبت) دفتر ۱۳۰۱۱ و شماره قفسه ۲۵۴ - تاریخ تحریر ندارد. نام کتاب «جاماس نامه» ذکر شده است.
 ۷ - نسخه دیگر متعلق به کتابخانه مجلس شورای ملی - شماره (ثبت) دفتر ۲۷۶. شماره قفسه ۲۱ و بشماره ۱۷۰ در فهرست مجلس شورای ملی تألیف آقای یوسف اعتصامی بقیه حاشیه در صفحه بعد

۳۳ سطر است خط این رساله نسخ قدیم است، و غیر از خطی است که رسایل دیگر بدان نوشته شده.

آغاز: «سخنی چند از احکام جاماسب حکیم - چون دست کارد کیوان سوی زاوش برد و مشتری دست جامه زنان^۱ سوی [بهرام بر]^۲ د و بهرام دست سر بریده سوی مهر برد و مهر دست تاج سوی بهرام دارد و ناهید دست کمان^۳ سوی تیر دارد و نیر بامهر یکجای شود دلیل کند که...»

انجام: «...ورسمهای نیکونهد و دینش قوی گردد و مردمان [] دوال کسنی صلی الله علیه وسلم (کذا) بر جای باشند و ایشانرا سستی بنیاید انشاءالله والله اعلم»

۱- کذا

۲- نسخه معیوب است.

۳- کذا

۴- نسخه معیوب است. در نسخه چاپی (ص ۲۳ س ۹) «هاشم» آمده است.

بیه حاشیه از صفحه قبل

(ج ۲ ص ۹۲-۹۳) ثبت شده است.

۸- نسخه انتقالی از کتابخانه سلطنتی به کتابخانه ملی تهران بشماره ۲۴۰۸ اول ۱۱۰۴

آن ناقص است. (یادداشت آقای حسن ره آورد)

۹- نسخه متعلق به آقای میرزا عبدالرزاق الواعظ در همدان.

این ترجمه «جاماسب نامه» بفارسی از میرزا عبداللّه بن عیسی تبریزی اصفهانی (متوفی در حدود ۱۱۳۰ ه) میباشد، و در «ریاض العلماء» در ترجمه احوال سید علی خان بن خلف الحویزی، بدان حواله داده است.

رك: الذریعه تألیف آقای محمد محسن معروف به شیخ آغا بزرگ طهرانی - تهران

۱۳۲۰-۱۳۲۲ ه شمسی ج ۴ ص ۹۳؛ ۱۳۲۳ ه شمسی ج ۵ ص ۲۲-۲۳

۱۰- نسخه متعلق به انجمن شرقی کاما بمبئی بشماره ترتیب ۶۷

(cf. The K-R. CAMA Oriental Institute Catalogue compiled by Ervad BOMANJI NUSSERWANJI DHABHAR, Bombay 1923, p. 150)

۱۱- نسخه مجموعه متعلق به یکی از کتابخانه‌های استانبول

(عکسی از این نسخه نزد آقای مجتبی مینوی موجود است)

متن فارسی جاماسب نامه با فرهنگ ملوک و اسرار عجم تألیف جاماسب بن لهراسب

بتوسط میرزا محمد خان ملک الکتاب در ۱۳۲۰ ه در هند بچاپ رسید

بالصواب منه المبدأ واليه المآب. «

ب - از ورق a ۳ تا b ۲۳ شرح رساله از کلمات و رموز خواجه ابوعلی سینا .
در هر صفحه ۱۸-۱۹-۲۰ سطر است - نسخه ناقص است. بتوسط ابو الفتح بن
حسین منجم با خط نسخ قدیم در ۵۴۸ هجری تحریر شده است.

انجام : «.....تم الشرح بحمد الله و صلى الله على محمد و آله اجمعين ، بتاريخ يوم
الاحد العاشر من شوال سنة ثمان و اربعين و خمسمائة ، كتبه ابو الفتح بن الحسين المنجم.»

ج - ورق a ۲۴ مشتمل است بر ۱۶ بیت از اشعار مختلف عربی.

آغاز « وَمَنْ يَكْفِي حَضِيضِ الْبَيْتِ مُلْقَى فَكَيْفَ يَرَى مَقَادِيرَ النُّجُومِ
انجام « قَدْ دَخَلُوا بُكْرَةَ عَلِيٍّ عَجَلٍ فَمَا لَهُمْ بَعْدَ سَيْرِهِمْ أَثَرٌ

د - از ورق b ۲۴ تا a ۳۵ «رسالة الشبكة تأليف فيلسوف الحكماء ابي المظفر
الاسفزاری» که بدنبال مقدمه حاضر بچاپ میرسد
در هر صفحه ۱۸-۱۹ سطر است .

بتوسط ابو الفتح بن حسین منجم با خط نسخ قدیم در ۵۴۹ هجری تحریر شده
است .

ه - ورق b ۳۵ : صفحهای از رساله «در استخراج مسایل عدد» تألیف حسین بن
ابراهیم سمرقندی^۱ و شامل ۱۸ سطر است. بتوسط ابو الفتح بن حسین منجم با خط نسخ

۱- کذا

۲- حسین بن ابراهیم سمرقندی از علماء حساب دو قرن پنجم هجری است که معاصر
سلطان سنجر بن ملکشاه سلجوقی بوده است و کتابی در علم حساب و عدد بنام - لمطان سنجر
تألیف کرده و آنرا قانون سنجر نام نهاده - آن کتاب عربی است و اولش اینست :
«الحمد لله الملك الجبار الواحد القهار» و آن مشتمل بر دو مقاله میباشد مقاله اولی در مبادی
واصول و مقاله دوم در مسائل و فروع حاوی چهل و دو مسئله و از این کتاب يك نسخه خطی
نزد آقای سیدجلال الدین طهرانی موجود است.

(از گاهنامه تألیف آقای سیدجلال الدین طهرانی - تهران ۱۳۱۱ ص ۱۴۵)

قدیم تحریر شده است .

آغاز: «بسم الله الرحمن الرحيم- رسالة الحسين بن ابرهيم السمرقندی فی استخراج المسائل العدد- اهل این صنعت را در بیرون آوردن مسائل طریقهای بسیارست و قانون های درست که متقدمان بدست آورده اند چون اربعه اعداد متناسبه و طریق جبر و مقابله و طریق خطائین و مانند اینها...»

ملاحظات در رسم الخط رسالة الشبكة .

نسخه بر رسم الخط قدیم تحریر شده و ما غالباً آن را بر رسم الخط متداول تغییر داده ایم. در تصحیح رسالة الشبكة ملاحظات ذیل بکار رفته :

- ۱- در بسیاری از موارد در متن اصلی کلمات بی نقطه است. مثلاً : سافرید (بیافرید) و ما (جز در موارد استثنائی) لازم ندیدیم که آنها را در حواشی یاد آور شویم.
- ۲- علامت مد الف ممدوده در نسخه گذاشته نشده مانند : اب، آورد، افرید و ما در جای خود آورده ایم.
- ۳- همزه «این» آنگاه که به «اندر» و «از» ملحق گردد، در اصل نسخه حذف شده، و ما عیناً آورده ایم؛ ازین، ازین، مطالعات فربخی
- ۴- همزه «او» آنگاه که به «اندر»، «بر» و «از» ملحق گردد، در اصل نسخه حذف شده است و ما عیناً نقل کرده ایم؛ اندرو، برو، ازو.
- ۵- همزه «ایشان» آنگاه که به «از» ملحق گردد در اصل نسخه حذف شده : «ازیشان» و ما همان رسم الخط را حفظ کرده ایم.

۱- رسم الخطی که در رسالة حاضر بکار برده شد در بسیاری از موارد همانست که در جامع الحکمتین بکار رفته (رك : جامع الحکمتین تصنیف ابومعین ناصر خسرو قبادیانی مروزی بمگانی بتصحیح و مقدمه فارسی و فرانسیوی آقای پروفیسور هنری کرین، آقای دکتر محمد معین- تهران ۱۳۳۳ ص ۱۷-۱۸)؛ نیز رك : حوامع الحکایات ولوامع الروایات تألیف سیدالدین محمد عوفی بتصحیح و اهتمام آقای دکتر محمد معین- تهران ۱۳۳۵، بخش اول، ص ۶۹ پیوست.

۶- در تحریر کلمات مختوم بآلف در صورت اضافه و صفت در اصل گاه با همزه آخر (اثرهء بسیار؛...) و گاه بدون همزه آمده (غذا برك (برگ))، غذا نمر، بزوا یا قایم...، ما این نوع کلمات را با «ی» نقل کرده ایم: اثرهای بسیار، غذای برگ، غذای نمر، بزوا یا قایم)

۷- در نوشتن کلمات مختوم بآلف، در صورت اتصال بیاء وحدت و نکره، فقط بيك ياء اکتفاء شده مثلاً: غذاهاى، غذای، رگهای (رگهای) (بجای: غذاهاى، غذای، رگهای)، یا به همزه مثلاً: بغذاء (بجای: بغذایى)، و در رساله حاضر بادویاء ثبت شده.

۸- اسماء مختوم به دو «ی» (که یای دوم دال بر حاصل مصدر و اسم معنی است) را بصورت «ی» نوشته اند: کواى (گواى)، توانای، وما بصورت «یى» آورده ایم: گواى، توانایى. کلمات عربی مختوم به آلف مقصوره در حال اضافه و صفت در متن بصورت «ی» نوشته شده مانند: قوی نبات، مجرى قایم؛ وما بصورت «ای» نوشته ایم: قواى نبات، مجرای قایم.

۹- «پ» در اصل نسخه «ب» آمده: بدید (بدید)، بدیدار (بدیدار) و مانند اینها، و در رساله حاضر برای سهولت خواندن همه را به «پ» بدل کرده ایم.

۱۰- «ج» در اصل نسخه همه جا (ج) آمده مانند: جون، جه، چگونه، و مانند اینها- در رساله حاضر همه را (ج) بدل ساخته ایم.

۱۱- «آنچ» و «آنك» و «بدانچ» و «بدانك» و «چنانك» در اصل بهمین صورت (منتهی با «ج» بجای «چ» و بدون علامت مد الف ممدوده) آمده، وما نیز همین صورت را حفظ کرده ایم.

۱۲- «که» موصول، گاه بصورت «کى» نوشته شده و ما همه را بشکل «که» آورده ایم.

۱۳- «گک» را همه جا کاتب «ك» نوشته. مانند: یکانكى، جایکا، اکر، کردانیدن، دیگر، و ما همه را به «گ» بدل کرده ایم.

۱۴- «ه» غیر ملفوظ در اتصال به «ی» نکره یا وحدت در متن اصلی بصورت «ه»

آمده و ما همانرا حفظ کرده‌ایم، مانند: پشه، شبکه، طبقه.

۱۵- در کلمات مختوم به «ه» غیر ملفوظ غالباً در حال اضافه و صفت همزه‌ای (ه) روی «ه» گذاشته شده مانند: جمله جانوران، طبقه بیرونی، اما گاهی بدون همزه نوشته‌اند، مانند: سینه باز، دایره کوچک (کوچک)، و ما همه را با همزه آورده‌ایم.

۱۶- کلمات عربی نظیر: «سربع الاستحالة»، «مصفاة»، برسم الخط عربی تحریر شده و ما به همان صورت نوشته‌ایم.

۱۷- کلمات مختوم به الف ممدوده و الف مقصوره در الحاق به «ی» نکره و وحدت بصورت «ای» و «ی» نوشته شده: هوای، مجری، و ما بصورت «ایی» نقل کرده‌ایم: هوایی، مجرای.

۱۸- در الحاق کلمات به «است» (رابطه) گاه «ا» را حذف کرده‌اند: اوراست، مقصودست، دیگر (دیگر) ست؛ وزمانی «است» را بما قبل پیوسته‌اند: انست (آنست) خوبست (چوبست)، ایشانست؛ و گاهی جدا آورده‌اند: خوب است (چوب است) و ما برسم الخط اصل نسخه را مراعات کرده‌ایم.

۱۹- سوم شخص مفرد (مفرد مغایب) ماضی نقلی را بصورت «ست» آورده‌اند: افریدست (آفریدست)، داده‌ست، بوده‌ست (گاه: بودست)، رفتست؛ وزمانی بصورت «است» نوشته شده: داده است، و ما برسم الخط اصل نسخه را مراعات کرده‌ایم.

۲۰- «تر» علامت صیغه تفصیل را گاهی متصل مانند: باریکتر، و گاهی منفصل آورده‌اند مانند: صواب‌تر؛ و ما برسم الخط اصل نسخه را مراعات کرده‌ایم.

۴- منتخب کتاب الجیل

نسخه‌ای از آن در کتابخانه ژون رایلمندس مانچستر موجود است^۱

بقیه در شماره بعد

cf. A.MINGANA-Catalogue of the ar. MSS in the John Rylands Library, Manchester 1934, 347 B.

(رك: تاريخ ادبيات عرب بر کلمن، ذیل ج ۱ ص ۳۸۳)

درخاتمه از دانشمند ارجمند آقای دکتر محمد معین استاد محترم دانشگاه
تهران که مرا بتصحیح و انتشار «رسالة الشبكة» تشویق ، و در حل مشکلات آن یاری
فرموده‌اند، نهایت امتنان و سپاس حاصل است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تسعة المثلثات

المقالة الثالثة عشر من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار



دائرة المثلثات من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

ان المثلثات تسعة من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

اربعة امثال من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار



جدية من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

الاجزاء من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

المثلثات من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

معرفة من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

من اجصار الامام المعتمد الاسفندي لا مشول افند من اجصار

